

جهت رئیس خاندان فل (وریسالت) را تعیین کردند ، این (فل) آدم زکی و حریت پرور زیاده یذوق عشرت و خوشگذرانی مبتلا بود ، لهذا از اینرو وضع مالیه و سایر امور مملکت خیلی متضرر شده بود (فل) این روش را از سر بی خود (دوبروا) تقلید کرده بود ، این (دوبروا) غیر از زر چیزی را ستایش نمی کرد ، با وجود اینکه از طرف پایا و از طرف فل مستشار معین شده بود بازم دانیا اسباب هو و لمب ذوق خود را تدارک میکرد ، در آخر سلطنت لونی چهاردهم اهالی متعصب (بادرونی) در نهایت درجه بود ، خصوصاً در جوار سلطنت فقط این طادت را حمله فراموش کرده بودند امتیالاً بهر اس فل همه مشغول بذوق خود شدند ، رفته رفته زن و مرد باهم عیاشات کرده عرض و ناموس و حفظ آن را فراموش کردند و (دوبروا) هم که خود را بالمره قائب کرده بخواش دل خود عمل میکرد این قدر ممنون بود که ادارات دولت فرانسه را در دست تصرف خود داشته هر چه نقد بخزینة دولت داخل می شد در بین (دوبروا) و فل تقسیم می گردید ، داخله هم لونی ۱۴ امور مالیه را حلبی برایشان کرده بود ، قرض دولت از دو میلیارد فرانک متجاوز بود ، واردات مالیه کافی به تنزیه قروض نبود

در این وقت که فل محتاج مانده بود در آن محتاجی يك نفر انگلیس (جون لاو) نام بداد او رسید ، این مرد بیک ساعت سازی بود ، و حلبی سیاحتها کرده بفرانسه آمد فل با این (جون لاو) تدبیرها ~~مکرده~~ يك بانک تأسیس نمودند ، این شک چنان معتبر شد که ورقهای اسهام آن از سکه در خالص معتبر تر شد که تفصیل این مطول است

ثابت در سنه ۱۰۹۸ این بانک اعلان افلاس کرده (جون لاو) هم از فرانسه گریخت ، از این رو هزارها معتبرین مفلس شده بعضی خود را هلاک کردند سه سال بعد از آن (فل) هم وفات کرد ، زمام اداره رسید بدست معلم لونی (قار دنیال فلوری) اداره این (فلور) از اداره فل قدری بهتر شد جلوگیری از بعضی مصارف بی معنی دولت کرده امور مالیه قدری رو به بهبودی گذاشته بود که احوال باز و خدایت پیدا کرد یعنی در آن زمان پادشاه یعنی لونی

پانزدهم بحد بلوغ رسیده بود

اصراف و تیزیر پادشاه از (فل) بهراتب زیاد شد ابدأ خود صاحب حکم نبود و در دست چند نفر فاحشه ها اسیر بود ، خزینة دولت را ناظیر آنها گذاشته بود در بین این فواحش يك دختر صاحب جمال (بوم بارور) اگرچه صاحب اخلاق زشت بوده ولی عاقله و مدبره بود پادشاه و به وکلایش خایف بود ، دولت فرانسه مدتی تحت تدبیر این دختر بود این (بوم بارور) برای اداره حکومت آدم های عاقله پیدا کرد

جلوگیری از اسرافات را تا يك درجه کرد حق از رئیس الوزرا (قونت شوازل) که از رجال بزرگ فرانسه بود ، این (شوازل) دو حمایه این دختر بقانونیکه که مکلف بآن بودند واسطه آنخذ ~~مکرده~~ بود ، این قانون خاصی بود یعنی هر حکم در هر جا برای خود يك قانون داشت ، و بی اعتدالی تا درجه رواج گرفت که اگر طارش می شد فلانکس شتر سرا دزدید بچیب خود گذاشت نهان کرده عرض او در هر محکمه مسموع بود ، لهذا در هیچ گوشة مملکت امنیت باقی نماند ، مدتی از همه مردم صدمه زیاد میرسید از مأمورین خفیه ، در دست این خفیه ها اوراق طبع شده از اداره وزارت بود ، اسم هر کس را که میخواستند بهر جانه ~~که~~ نسبت میدادند نوشته آن آدم بی گناه را گرفته جریمه میکردند ، بیک سال غیر از خلفایا شصت مایون فرنگ بعنوان جزای نقدی گرفته بودند ، این مأمورین خفیه در هر کس بوی پول می بردند تهدید کرده رشوه می گرفتند با وجود این مصارف دولت چهار برابر مداخل شد هیچ وزارتخانه از حال دیگر وزارتخانه ها خبر نداشت ، جناب هرج و مرج شده بود که در يك محله يك جنس را به پنج فرانک و در دیگر محله همان جنس را به سجاه شصت و فرانک می فروختند و يك ارانه مال در يك روز از چهل رانمدار خانه گذشته هر يك يك راهداری می گرفتند ، امتیازات یعنی اجاره جات حد حساب نداشت ، مثلاً بيك نفر امتیاز میدادند ذخیره را تادروازه شهر بیاورد ، بدیگری میدادند تا به ابار داخل کند ، سوم به آسیا برده ، چهارم تا بدکان خبازان و اجاره داران ، هر کجا خواستند فراوانی و هر جا

کم ای بیکرند. و تحمیلات تماماً بگردن فقرا بار بود، مأمورین کلبسا و طلاب روحانی و کشیش ها همه از هر جهت معاف بودند، و مأمورین بنام دوا بر مال حمل و نقل میکردند، و یک شعبه مداخله ایشان بود روحانیون مالیات مخصوص داشتند که از زارعین میگرفتند، در صنوف زادگان هیچ چیز مساوات نداشت، اموال بزرگان انتقال به پسر بزرگش میشد، کوچک ها عسکر یا کشیش می شدند و اینها هم از بده دیوان معاف بودند.

خلاصه فقرا در نهایت درجه بند بزرگیب اسارت بودند، چون داری مملکت همه بدست صنوف ممتاز بود مالیات نصف بل از نصف هم تنزل کرده، رفته رفته حالات روز بروز وخامت کسب نمود، چنانچه مقامه یک اختلال ملی و شورش بزرگ را همه منتظر بودند حتی (وواتر) در سنة (۱۱۴۲) به (شورول) یک مکتوب نوشته، بواسطه سرشاری نظر بیکم می بینم برای یک اختلال بزرگ و یک انقلاب عظیم تخم پاشیده شده، اینک بوضع انقلاب شبهه باقی نمانده، تأسف من اینست از شرف دیدن این انقلاب ملی محروم خواهم ماند آنروزها روزهای ریه و وقت وقت سعادت است، طوشا بحال آن دیده که آن روزها را خواهد دید، بگذار دوستان من آن روز را به بختند، من حسد نمی برم.

در حقیقت روزهای گفته (وواتر) رسیده و بعضی حیثیت های زشت ممدان آمده بود.

اختلال بزرگ ملی، مداخله حقیقی
خلف لونی پانزدهم لونی ششم گرچه اسنیت پرور و یک حکمدار خیر خواه بوده است، ولی صادق العول و ثابت قدم نبود، لهذا ساطنتش خیلی پریشان و در دست مستبدین گرفتار مانده بود، در مصاحبت این پادشاه چند نفر طاع از احرا قونین مساوات و حریت بودند، اول برادش (نورل) و دیش (ماریه انشوات) این ماریه دختر یک نفر خیساط بوده است مصرف و بد خرج وشوهرش را دائما منع از اصلاحات امور دولتی میکرد

لذا فرانسه ها این زن را ابداً دوست نمی داشتند لونی در اول جلوس اصلاح امور مالیه را آرزو می نمود

و نظارت طالبه را به (نوروغور) حوله کرد، اهالی خیلی ممنون شده بودند، ولی اطرافیان شاه از ترس آنکه از اصرافات ایشان را مانع خواهد کرد از داخل شدن او بهیشت وزرا ممنون نبودند وقتیکه (نوروغور) بمسند وزارت نشست در لایحه اول صنوف ممتازه را داخل کرد، که باید مالیات بدهند، و برای رفع مضرت سایر اصناف راه داریها را موقوف نمود، و مأمورین حلقه را لغو و باطل کرد، و تعطیل بعضی مناسرتها و تکثیر مکاتبها و آزادی قلم و افکار را اعلافت داد، و این تکالیف سبب شد یک های هوی بزرگی را در کشیها و صنوف ممتازه بعضی رکلا، صنوف روحانی و زانگان یک دفعه حمله بوی کردند، اول پادشاه رأی او را قبول کرد، بعد در برابر هیات محتومه از مساومت عاجز مانده او را منزل نمود، این مسئله به افکار عموم ملت که تازه بیدار شده بودید خیلی گران آمد، در این وقت اهالی شاه امریکا با انگلتره در حرب بودند انگلتره از فراسه امداد خواسته ولون قبول کرده اردو فرستاده بود ازین رو نیز مایه فراده به هیچ اقدام مقتدر نبود، لون فکر چاره افتاده از صرافان خیلی قرض کرد، و این قرض را حوله بصراف (نکر) کرد و اصلاح مالیه را به (نکر) حوله نموده، (نکر) هم ارتدایر (نوروغور) بعضی را تعطیل و بطریق خود اکیال کرد، امور مالیه تا یک درجه رو به بهبودی نهاد، بعضی کم زیادیهسارا خواست بتصدیق مجلس شوری برساند، چون برای متماین سلطنت و صنوف ممتازه صرفه نداشت قبول نکردند، و برخلاف (نکر) همه قیام کردند، و حال آنکه نقشه (نکر) عمارج را در مقابل مداخله برابر میکرد، این نقشه وی سبب خوشلودی مات و اعتراض بر اهل درخاه شده، (قرال) بخاطر این مستبدین (نکر) را هم منزل نمود

(روسو. و. وواتر) و امثال ایشان که در شریات خود مساوات و حریت را ستایش میکردند، چون افکار (نکر) در آن میزان بود منزل (نکر) موجب رنجیگی ملت شد، و در جوانان که در عماره امریکا بودند و جمهوریت آن را دیده مراجعت کرده بودند و حال بچرگی و ضعف فراسه را مشاهده کردند در بین اهالی شورش افکندند، بعضی سخنان که گوش

بزرگ آنها برده در مقام تقشیر بر آمده ، در یکی از دواخانه ها مقدار بسیار هنگفتی باروط و بارنجك و سایر آلات حراقه و اشیاء محترقه بدست آورده ، بدین وسیله جماعتی هم گرفتار آمده معلوم گردیده است که جم غفیری از بنگالیان درین سازش سری شرکت داشته و همه بدون خوف و بیم اقرار کرده صاف صاف حرکات خود را برخلاف حکومت انگلیس ظاهر داشته ، گویا ضمناً بیان کرده اند که اگر تا یک سال دیگر این راز فاش شده بود ظاهر میگردید که نتیجه اقدامات ما منجر بکجا میگردید

اخبارات می نویسند که بقدری اسباب حراقه و آلات آهنام در مقام تقشیر بیرون آمده که برای تخریب نصف کلانته کافی بوده است . تعجبی که هست در قات ماده بنگالیان است ، که این جسارت و بهادری می ورزند ، خود گذشتهگی را در راه ملت از کجا حاصل کردند ، تقصیری که بر این قوم دگر می شود صفت بزودی بود ، و انگلیسها بواسطه همین صفت که در آنها محسوس و گویا جبهایشان بود هیچگونه هراسی از آنها نداشتند ، ولی امروز در منتهای درجه خوف و هراس ازین قوم هستند

از آن بعد بازم بایس اشیاء حراقه از قبیل (بمب) و غیره ولو قابل بوده در مقامات دیگر هم پیدا کرده و بازم خان میرود که در مقامات دیگر نیز (بمب) و سایر اشیاء قتاله پنهان داشته باشند که ظاهر شده است ، تاکنون جماعتی از نمره دوم و چند نفر از نمره اول بنگالیان که درین سازش بوده گرفتار و دچار استنطاق میباشند

این مسئله هنوز تحقیق نشده است که آیا این اشیاء محترقه را بنگالها از کجا بدست آورده اند ، بعضی میگویند از (کندا) برخی متوجه (فرانسه) هستند جمعی عقیده به (امریکا) و گروهی به (ژاپون) دارند . ولی بیشتر چنان می پندارند که بنگالها محض تعلیم همین فنون بحارجه رفته و کسب معلومات کرده تمام را خودشان ترتیب داده اند ، و این امر بیشتر مقرون بصحت معلوم می شود ، چه گویا جماعتی که گرفتار شده خود هم اقرار بساختن (بمب) و غیره نموده اند

چیزیکه حکام را بوحشت انداخته این است

که بعد از کشف این راز شب نامهای سخت اعلان و خطوط گنگام بنام بعضی از انگلیسان رسیده تهدید بقتلشان نموده است و (بمب) های چند در مقامات مختلفه نیز پدیدار گردیده است ، ازین معلوم نموده اند که این رشته سر دراز دارد

فعلا مرعوبیت از بنگالیان مرتفع شده و قومی شجاع و دلیر و بی باک و فدائی وطن شده اند ، که داناترین و با ثروت ترین اقوام هند هم هستند ، عده نفوسشان هم بجهت میلیون متجاوز است ، و سر بر آوردگان تمام هندوستان هم تا درجه پیرو آنها هستند ، ازین رو بوهشت افتادن انگلیسها بجاست ، انگلیسها اگر میخواهند سختی به ناپند ، کار سخت تر خواهد شد ، بمقتضای پلنیک باید نرمی نمود و مات هندیه را مستعد و قابل قبول و بیفایر نمود ، در حکومت هند مسلک خوف و رجا را از دست نباید داد حق این است که حکومت انگلیسان در هند تمام خوف است بدون رجا تکبر را باید دور داشت و استثنای مخصوصه را از قوم خود مرتفع ساخت

مسلمانان عموماً از حرکات بنگالیان بیزار و اینگونه افعال را به نفرت میگیرند ، ولی این نفرت و بیزاری ما جلو پیش آمد امور طبیعی را نتواند ~~کرد~~ ، حکومت باید مستعد برای بخشش و بیفایر بر حسب اقتضا و تربیت هندیان بشود ، و از امروز در اموری که آنها را قابل نهداند سعی در قابلیت شان نماید ، حکومت مجبور است باقتضای وقت رفتار کند ، و حرکات خود را با مات قابلیت آنها تبدیل نماید ، اصول بجهت سال قبل را امروز نمیتوان در حکومت جاری داشت ، چقدر خوب اظهار کرده است در لندن (مستر امیر علی) جج عدالت العالیه سابق کلانته که (مامسلمانان هند متفر ازین حرکات بنگالیان هستیم و بر حکومت رفع این ظایلات لازم است ولی بوسیله جای کردن در قلوب رعایا و بس)

من هم همان عقیده مستر امیر علی را تأیید میکنم حکومت باید از حسن سلوک خود را در قلوب رعایا جای دهد ، از این و بعد حکومت جبروتی در هندوستان دشوار بلکه محال است ، این بود خلاصه واقعات جنبش بنگالیان که عرض نمودیم

تلاکافات

(۱۵ - ۲۴ می)

کارکنان کارخانه پنبه ریسی امریکا و مصر مجلسی فرم آورده امریکائیان را رأی بر این است که در هفته دو روز تعطیل شود یعنی شنبه و دوشنبه و هفته آخر ماه نیز تعطیل کامل بآنها داده شود کارکنان مصری تاکنون نصفه آراء خود نه نموده اند و منتظر کار روانی شورای و یا نه میباشند

در سرحد جنون الحیریا (جنرل ویکی) بسرمداری قشون مقرر و بسه از جنگ دو روزه عمرها را شکست داد، بر مقامات مسکون اعراب روز پنجشنبه حمله آورده نتیجه آن تاکنون پوشیده است - ۱۳ قسر مجروح و ده نفر هلاک و ۶۵ از قشون فراسه مجروح شده است گمان میرود که هراب را نقصان زیاد رسیده باشد

§ جبهی از طبنة دوم سفرای فوق العادة مولی حفیظ را در پاریس ملاقات کردند

(۱۵ - ۲۴ می)

§ اخبار (دلی کرافک) را عقیده این است که معاهده نجارتی انگلیس و فرانس را (مستر کیون) حتم نموده و بر فصول عهد نامه در میان (سرادورد گری و مستر کروبی) مراسله جاری است

§ از محکمة بحری انگلستان حکمنامه صادر شده که شبانه مشق موقوف باشد

§ (جنرل، سچنکو) فرطقرماتی صوبه ترکستان روس مقرر گردیده است

(۱۶ - ۲۴ می)

§ در بکن حکمنامه آغاز یافته که تدارکات اقامتگاه مخصوص بری (دلالی لامه) می نمایند

§ سفیر چین مقیم لندن مدارار اعلیحضرت (ادورد هفتم) مائل آمد و خدمت خویش را به ناشی مخصوص که بجهت تعالیم قانونی آمده بود واگذار نموده است

§ (مستر کروبی) نائب وزارت سفارت فراسه در انگلند من باب حتم معاهده نجارتی با دولت انگلیس گفتگو می نماید

§ قشون فرانس در خاک مراکو بعد از جنگ هفت

ساعت مقام (بودانب) را به تصرف آورد ، از اعراب حلبی کشته شده و از فراسه کم

§ افواه است که ابغالی منقدر است که قشون - ول از (کرید) علیحدگی اختیار نه نمایند

(۱۷ - ۲۴ می)

مقام (بودانب) را که قشون فراسه به تصرف آوردند جای است که (جنرل ویکی) اظهار داشته بود که هرابها در اینجا اجتماع نموده اند (جنرل لیانی و بیلاو) هر دو بدانجناب رهسپار شدند

§ شیخی که در نواح سودان (مستراسکوت) انگلیسی هلاک نموده بود بقتل رسانیدند

§ مخبر، تر از بکن خبر میدهد که منافسه حسن بین دولتین چین و ژاپن پیش آمده چه دعوات ژاپون (جناو) را جزو (اوریا) میداند و چین شامل خاک چین (۱۸ - ۲۴ می)

§ دبروز در مجلس اعیان لندن (لارد رابرت لارد مدائن ، و لارد ارن اول) در خصوص مد انتظامی قشون مستر هلدین لطفی های بخانه نموده اند

§ اعلیحضرت (ادورد هفتم) ناروحه شان در (الدرشات) معاینه سال (۳۰۰۰۰) قشون را نمودند § وکلای (آرلند) مرتبه نانی قانون تعالیمات را حلیال مخامت دارند ،

§ وزیر تجارت روسیه هر ضداشتی نموده که بر گرك جان هند و سیلون از اول ستمبر تخفیف داده شود

§ (ازاناوه) خبر رسیده که کارکنان کارخانه پنبه ریسی (دلی فیلد) که ۳۰۰۰ نفر اند دست از کار کشیده اند

§ (جنرل دامید) خبر میدهد که در اخلاص اندرونی کاسا بلنکا ۳ نفر هلاک و ۳۲ نفر زخمی شده اند

§ در پارلمان انگلستان (مستر اشبر) سؤال نموده که درباره مقدونیا مشاوره روس و انگلیس به کجا انجامید (سرادورد گری) اظهار داشت که چون بر اکثر مسائل آن بحث باقی است جواب شفافی نمیتواند املا بدهد (۱۹ - ۲۴ می)

§ ابغالی رساه خطی به دول اروپا نوشته که از علیحدگی قشون دول در (کرید) اغتشاشی پیدا خواهد شد و اگر چنین شود دول اروپا را ذمه دار این اغتشاشات قرار خواهد داد

§ از واشنگتن خبر رسیده که مجلس ملی درباره نایش گاه سنه (۱۹۱۲) در یکن یک و نیم میلیون دالر اخراجات را منظور نموده است

§ از هسکانگ خبر رسیده که انجمن تجارتي نهریک نموده که دکا این نریک فروشی نیاید بسته شود

§ اخبار طمس میبویسد که اعلیحضرت در بد هفتم عنقریب امپراطور روس را ملاقات نموده يك هفته در آنجا بماند و در آنجا در وقت نماز تا شش میباید شده است

(۲۰ - ۲۱ می)

§ عدالت روس در پتسبرگ برغداران سنه (۱۹۰۰) که در آف سردار مشهور (کرل) نیز شامل است به پوشیدگی تحقیق شروع نموده است

§ در امریکا من چهار ملی و مجلس و ذرا در خصوص سکه اختلاف واقع و تمام کار روانی درین خصوص بد شده است

§ از اسلامبول خبر رسیده که دولت عثمان سفارش نموده که در راه آهن بغداد چهار شاخ دیگر هم بکشند و این امر واگذار به تسینه آلمان شده است

§ از واشنگتن خبر رسیده که مجلس ملی با ژاپون درباره چین و (توریا) در سیات تجارت خود ترمیمی نموده دستخط کرده است

§ سرادورگری و بر خارجة انگلستان در انجمن ژاپونیاں لندن اظهار داشته که بسبب عهدنامه انگلیس و ژاپون در دنیا امنیت قائم گشته و امید وار است که در میان این دو سلطنت هزاره اعاد باید باشد

§ علیحضرت ادورد هفتم ه جون روانه بحساب روس خواهند شد

§ بحیر روتر افوها شیده است که اعلیحضرت ادورد هفتم و اعلیحضرت امپراطور روس در (ریوال) ملاقات خواهند نمود. پادشاه ه جون در آنجا خواهند رسید و بر جهاز (وکتوریا) و (البرت) سوار و دو (گروزر) نیز همراهشان خواهد بود

§ بر عهدنامه سرحدی اعلیحضرت (منلیک) و سفیر

ایطالیا دستخط نموده و از هر دو جانب برای تصفیه سرحد امورین روانه شده اند. درباره عهدنامه تجارتي (مینا دوا) و جنوی (بیموفیه) نیز تدارکات می شود

در انجمن وسط آسیا (لارد کرزن) در نطق خود اظهار داشته که مرکز منطقه وسط آسیا امروز افغانستان است و هیچگونه اثری از عهد نامه انگلیس و روس بر آن ظاهر نمی شود مشار الیه گفته که قول من نه بر وفق مخالفت پواتیکل است، بلکه از روی تجربه میباشد و ازین عهد نامه دولتین روس و انگلیس در وسط آسیا ترقی تجارتي نخواهند نمود، بلکه باید گفت آن عقده تا کنون حل نشده است

تذکرات روتر - راجع بایران

§ (جنرال شین) افسر سرحد روس در سرحد ایران خبر میدهد که در سرحد کاملاً امن قائم گشته چنانچه بعضی اوقات شده که فقط مواشی بر تاع می رود زارژرفر ایران مقیم پتسبرگ امروز از (مسبو اسوالسکی) خواهش نموده که پانزده روز دیگر اضافه شود بر مدتی که حکومت قفقاز برای سزا دادن ایلات سرحدی و ادای خساره معین نموده اند، و نیز اطمینان داده است به (مسبو اسوالسکی) که دولت ایران آماده گردیده که تدارکات کامل درین خصوص بنماید

(مسبو اسوالسکی) یادآوری نموده است زارژرفر را که دولت ایران را متواتراً تأکید درین امر شده که نگاهداری ایلات سرحدی را بنماید همیشه کوتاهی کرده و به وعد و وعید گذرانیده است، و نیز اعلام شده بود که اگر چنین واقع (چنانچه حالا واقع شده) روی دهد از جانب دولت روس اقدامات خواهد شد، این اطمینان و خواهش شما را به فرمانفرمای قفقاز اطلاع خواهم داد

دولت روس مدتی را که مأمورین ایرانی برای تأدیبات شرار ایلات و تأدیبه خسار که بسرحدات روسیه وارد آورده بودند خواهش نموده بود قبول نمودند

﴿ جبل المتین کلکتہ ﴾

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

Habibul Matin Office
4, Medical College Str.,
CALCUTTA.

﴿ نامه مقدسه ﴾

المتین

﴿ سنه ۱۳۱۱ ﴾

﴿ کلیه امور اداره با ﴾

مدیر کل مؤیدالاسلام است

﴿ هر دوشنبه طبع ﴾

و سه شنبه توزیع میشود

﴿ یوم دو شنبه ﴾

﴿ فرم ۱ جمادی الاول ۱۳۲۶ ﴾

﴿ مصادف با ﴾

اول جون ۱۹۰۸ میلادی

(مراسلات خصوصی بدون امضای معروف)

(اداره درج نمیشود)

﴿ قیمت اشتراك ﴾

سالانه — شش ماهه

﴿ هند و برمه ﴾

۱۲ روپيه — ۷ روپيه

﴿ ايران و افغانستان ﴾

۲۰ قران — ۲۵ قران

﴿ عثمانی و مصر ﴾

۵ مجیدی — ۳ مجیدی

﴿ اروپا و چین ﴾

۳۰ فرانک — ۱۶ فرانک

﴿ روس و ترکستان ﴾

۱۰ منات — ۶ منات

﴿ در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد ملتی بحث میشود ﴾

(مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

﴿ روز نتایج مشروطیت ﴾

﴿ قابل ملاحظه طایفه نجیبیه زرتشتیه ﴾

(خارجه و داخله)

بموجب تلگراف طهران - دزدان شرور و تصدیان
قتل ارباب فریدون رئیس تجارتخانه های خسرو شاه
جهان و برادران بحکم عدالت العالیة طهران پس از
استطاق و ثبوت جرم سرا یافته تعزیرات لازمه شده
پانزده سال هم محکوم بچس گردیدند

(جبل المتین)

خدای را شکر که مردم و دیدیم نتایج مشروطیت
را در ایران ، برای توضیح این مقام بر سبیل اختصار
این تلگراف را تشریح می نمایم

بعد از وقعه ناگوار توپخانه و هرج و مرج طهران
در ماه ذی قعدة (۱۳۲۵) جی از دزدان شرور
شبانہ بقصد دزدی بحیث ارباب فریدون رئیس تجارتخانه
های خسرو شاه جهان مقیم طهران رفته ، ارباب فریدون
بیدار شده خواسته بود فریاد نماید که یکی از دزدان
از بیم گرفتاری زخمی بروی زده او را بقتل رسانید ،
چون این واقعه در موقعی واقع گردید که شبهه اشارات
مستبدین در آن میرفت جمیع اهالی ایران خاصه باشندگان
طهران بشور و خروش آمده داد ، هوطنی و نوع

خواهی داده جدا قاتین و سزای آنها را از دولت
خواستگار گردیدند ، و نزدیک بود شور و خروش
اهالی امر بجای ناگواری منجر نماید

بالآخره دزدان گرفتار و مدتی تحت استطاق آمده
عاقبت حکم بصرح تازیانه و حبس پانزده سال شان از
عدالت العالیة طهران صادر گردید ،

عجی نماید که چون بی درین قتل و دزدی شرکت
داشتند ، و در قتل یک نفر قصاص جی قانوناً صحیح
بود حکم بچسشان صادر گردید ، بلا شبهه اگر قاتل
یک نفر بود بقصاص قتل میرسید ،

این امر پوشیده نیست که از هزار سال باین طرف
در ایران به حق ملت زرتشتیه چنین حکمی صادر
نگردیده بود و این امر یکی از نتایج میمونه
مشروطیت و منها درجه اهمیت را دارد

(باش تا صبح دولتش بدمد)

(کاین هنوز از نتایج سحر است)

امیدواریم که اولیای دولت و مات پیش از پیش
اقدامات محده نموده قاتل ارباب پرویز رئیس تجارت
خانه های خسرو شاه جهان و برادرانرا در نزد هم گرفته
بسزای قانونیش رسانند واقعه قتل ارباب پرویز خیلی
جانگداز تر از ارباب فریدون است ، چه قاتل ارباب
فریدون ثابت گردید دسته از دزدان شرور بوده اند ،
ولی قاتل ارباب پرویز یکی از اشرار و باشاره برخی از

باب نفوذ در مات، و امتدادات شخصی اومام مدین اسر شده است، و چنانچه میگویند قاتل معلوم و شق شق هم در کوه و بازار راه میرود، البته اولیای دوات راست که قاتل ارباب پرویز را دستگیر نموده، اسنطاق کرده تا هرکس شرکت در این قتل داشته معلوم و قانوناً بسزای اعمال خود برسند، و آب سردی بر آتش سینه هیکه ازین قتل ناگوار شعله ور است به باشند

پس ازین بیان برادران وطنی خودمان یعنی مات غیبیه زرتشتیه را مخاطب ساخته عرض می نمایم

ای بردار غرور وطن، ای شاهزادگان حقیقی آری، که پس از هزار سال مهاجرت هنوز رویی خاطر طرف آن خاک یک دارید، و بر برادر کینه مقسود و مندرس می شمارید، یک مادر حقیقی که وطن ما و شما میباشد غریب و محتاج به رهبری و عاهاست، حال که همه ملت ایران مشروعه شده، امتیاز و تبارین از بره مرتفع گردیده، مسلمان، زرتشتی، یهودی، ارمی، سر حقوق و صنی یک نظر دیده میشوند، چرا نباید متوجه تعمیرات خانه خود بود که همه مقصود خویش گرفتند، چرا عینه خود رو بسجده حرم است، این همه میراث و میراثیه در هر دوستان سر میماند، و ما و مدرسی و معارف ما می نمایم، چرا در روس خود نمیکند، و در آخر امروز به بنجاه سال دیگر مرجع و مات با ارباب است، و بلاشبهه مخانه خود بار خورید آمد، بارکشت شما و معبد اعظمتن ایران است چرا امروز که ایران یعنی خاک مندرس و بار یعنی مادر حقیقی یعنی مدین آباء گرام بوجود شما محتاج است رفع احتیاج از او نمائید؟ ابواب جاب هرگونه منافع رویی شما در ایران باز است، چرا امتیاز برخی تعمیرات و آبادانی شهر قدیم (استخر) که خلوص آب و هوا از تمام قطعات دنیا و قابل همه گونه انتفاع است حاصل نمی نمائید؟ چرا کمیابی تشکیل میدهند، و امتیاز یک شبهه راه آهن مملکت را از دوات میگیرید؟ کدام امتیاز را شما از دوات خواسته اید که نداده اند؟ به کدام امر اقدام نموده اید که مات و دوات همه قسم همراهی بشاه نموده است؟ ملاحظه نمائید تجار غرور وطن خواه خودتانرا مانند جناب ارباب خمبید و اداره جمعیان که در تمام تجار ایران مانند چراغ میدرخشند، هم در وطن خود عزیز و مکرم اند، و هم دارای هرگونه ثروت گردیده، همین نکته دالاست بر اینکه برادران ایرانیان شما را بیخشم برادری مینگرند، شما را بیخشم هم وطنی می بینند عزت دنیوی و اجر اخروی و نفع معلوی و کسب

ثروت عمومی و خصوصی شما برادران در توجه با ایران حاصل است و لا غیر

امروز مادر وطن به ثروت اندوخته شما فرزندان حائف محتاج است، یقیناً فردا نخواهد بود، خوب است امروز خود را در قلب مادر وطن جای داده، در چشم برادران وطنی خویشین را عزیز قرار دهید، و حق خودتان را از امروز بر وطن و برادران وطنی ثابت کنید که فرموده اند، (السا قوت الساوتن اؤنک المفربون)

امروز باید شما برادران خود را در نجات مادر و س همراهی نمائید، تأیید کنید، مدد دهید، تا حق فرزندی وطن و برادری وطنیان را ادا کرده، حقوق خود را آت دارید

بسی دو و همه ناگوار نیاید شما را از مادر وطن رو گردان نماید، برای نشانی خاطر شما می نویسیم که خوب است توجه نمائید بواقعات این دوره ایران و صد کرور خسارت که اساتیر برادران اسلامی شما درین اشکالات وارد آمده، خوب است نظر کنید بشهد، وطن خویش را برادران اسلامی خودتان که نزدیک بیست هزار نفر بهم آمده، آبودت و صفت حرامید شد، که این دو وقعه ناگواری که بری شما واقع گردیده اختصاصی نبوده (البلاء از عمت طابت)

برادران شما در نجات مادر وطن از جنگ مستبدین و زعبه اضمحلال ابدی با جان خویش بازی میکنند، حال و مثال را در این مقصود بهیچ نمی شمارند، مع دالک درین گرفتاری با هم از مال و جان در همراهی شما باز نمی ایستند، البته میدانید که در قتل ارباب فریدون چه قیامتی برپا کردند، نزدیک بود در راه همراهی به فریدون هزارها نفوس خود را بکشتن دهند و آخر هم از پای می نشستند، تا قاتین او را بسزای وانی رسانیدند، یقین بدانید که این گونه همدردی شما از اقوام دیگر نخواهد شد،

بشاید بسوی وطن عزیز خود، توجه نمائید به تعمیرات خانه خویش، که اگر تسامح و نگاهل ورزید نباید روزی که پشیمان شوید، در حالتیکه پشیمانی را سودی نباشد، هرچیز بموقع خود پسندیده است، امروز توجه و حیاة شما از مادر وطن بمذاق برادران وطنی تان خیلی شیرین است، ولی دیر با زود بشکرستان تمدن خواهند رسید، و مستحق از هرگونه تأیید خودی و بیگانه خواهند شد، در آئوبت اگر شما همراهی کنید، هیچ احمق نخواهد داشت، و هیچ قرب و منزلتی از شما در قلوب برادرانتان جای نخواهد گرفت، بلکه به

اطر حقارت و قدوت بشا خواهند نگریسته. که در عین قدرت دست از هم راهی و اعانه وطن و برادران وطنی بار داشتید (من از مفصل این قصه بحملی گفتم) (تولود حدیث مفصل بخوان ازین محمل)

خوش بازی است

موجب تلکرافیکه از طهران به پتربورگ رسیده سه نفر دزد بخانه (مسیواستریکیدونسکی) وکیل مالیه روس وارد شده بمشارالیه شایک عموده اورا مجروح ساخته اند جناب مشیرالدوله دیروز ازوزارت خارجه استعفا دادند درحالیکه هنوز وزیرداخله و وزیرعدلیه هم مقرر شده است (سبب لازم به بیان نیست درسه فشاردیده های وزیرخورد می شود یکطرف اشار مستبدین طرف دیگر فشار بجایان سوم فشار خارجه که نتیجه عدم موت است

حبل المتین

اینها تمام ارعدم انجساد مات و دوات بره یجزند مستبدین با تدبیر از ابتدا مستعد بودند بلکه در اساس تعصب و باصول وحشت جسمال ایران را برخلاف فرنگان برانگیزند، محبات ایرانیان و سیاست رؤای روحانی و وکلای محترم مانع از پیشرفت این معصوم گردید، اینک بری دادن پناه بدست اجاب این گریه ها را میرقصانند، و هنوز این قدرها سهمیده اند که تمام این الزامات بر قوه مجریه که رئیس آن شاه است وارد می آید، و الزامات مات بدوات مصدق می شود

حرف يك كچه است که ازها زده ایم، مستبدین چون در پیشرفت امر خود از داخله مایوس شده ما منتهای بی وحدتی حاضر شده اند، که دست اجانب را هر وسیله بتوسد بدین ملک و مات دراز نمایند، و هر اسم و رسم ممکن شود بر رسوخ اجاب بیفزایند، و هر شکل امکان داشته باشد، مات را مشغول بخارج عموده خیال را از قمع و قاع دشمنان داخلی خود که مستبدین اند منصرف دارند

مستبدین از عود استبداد مایوس شده، و میدانند که محال است، آن دوره ظلمانی ناز پس آید، و همچو نداشته اند، که هر قدر مشروطه خواهان قوت گیرند، آفتاب اقتدار آنان رو بمغرب سرایش خواهد گردید، ازین رو بخطا چنان گمان کرده اند که در نفوذ و اقتدار اجاب آنها آسوده خواهند بود، و حال آنکه اندک غور در تاریخ هم مساکان آنها این عقیده را بکلی باطل مینماید، ولی چه توان کرد چنانچه بارها نوشته ایم، این مستبدین بی وجدان باک نمودن کشفش اجاب را بر ریاست مشروطیت ترجیح میدهند.

بی حادثات ابد برای ما سبب شگفتی میشه چرا که ما قبل از وقت دانسته و آور باید قنابین ملت را آگاهانیده بودیم، شگفت درین است که اروپا حل و عقد مشروطیت ای وکلای شترم ملی چراغ معجزان صادقانه ماگوش داده و علاج این وانهات حتمی لو قوع را قبل از وقوع فراهم ده اند

حوب آقایان محترم گیرم یکی دوفتر مندب بواسطه قولیکه رئیس المستبدین داده بود، مانع از ترتیب قشون ملی گردیدند، و شاهم بنا بحس ظن خود قول نموده فرسنگ ها کار ملک و مات عفت افتاد، آخر چه چیز مانع بوده و هست در انتظار قشون موجوده چرا باید این قدر ساده لوح باشید که فقط سانه بی پولی را تصدیق نمایند؟ هیچ حاسیه تردید نیست که ایام مشروطیات به از زمان استبداد بدل قشون رسیده که آن وقت از زمان استبداد چه شده امنیت زمان استبداد؟ مسلم است خواهد فرمود که آر قوت و قدار در مستبدین بق و آنرا استیفاء کنند تصدیق خواهد نمود و خود هم کمت روح را در کم تکمیلد، یور سانه بی پولی رو خود خود معات خود در گول نریزد، و در امور بی فائده نه بچند مهم را بر اهم مقدم مدارید، شاه را است که ما عقل و تدبیر و شش مایند، که مستبدین مشروطه خواه شریک، و اگر می آید، و مایوس هم به هر قلم همت سال افند را از آینه رتبه در صحنه ۲۱ مینمایند

فلسفه مقاومت غیر زمانه

(هشت امین مقام در ز دست نیست) در مشاهده بر روی خسته بین انگار

هیچ چیزی حاضر بدست مکر صادق و لایق صدق را به قصد مسحت کدری در مینمایند میدارد یا سیار است یا محرم یا هر دو به به آهن قالی را ایام به تند و سبب آموود راستی جز ولا یجزی دستگایه میباشد دوارده ماه قبل اعظم و اشرف قد کاران عالم جان شیرین خود را در زمینی که آر دمار مرز اهریز روحانی بود صدقه مقاومت باسطه قریبه عموده است مقاومت بلاحرف قوی و مقروود مصاب بود، زیر که سرمشق حیه تاریخی برای ما مؤد داشت، اسم حالیه بقانون بشری در جایکه چنین تاریخی مسیبت است با قانون مقدس وجدان می نمود مطب ترکی سبب آر مناصحت رجوع به بوسیله بود که عمده حیه به قوه فوق بشریه یا الهی را باید باطل گشت، و داعیه سلطت روحانی بر یکقسمت خالق خدا را

ترك كرد .

ابن است که آن شهید به مدیل را سیدالشهدا میخوانند،
شهادت آن حضرت در صحرای کربلا از روز وقوع
يك ساعه و حیددی در تاریخ طلم قرار گرفته، و مثال
محشی برای معتقدین است که نمرود حکم یعنی چه ؟
در عقوبت غیر مشروعه آن مصیبت عظمی حرفی
نبود . وحشیانه بود . طلمانه بود . بدبختانه بود .
منتها سختی را داشت، و بهیچوجه استحقاقی در آن
دیده نمیشد، ولی آنکس که خود را تحت قانونی که آن
روز فعال مایید بود دید، و خویشتن را زیر فشار
ساعه ملاحظه فرمود، که جداً و کاملاً سعی در اجرای
آن قانون را داشت، دانست که بحکم وجدان باید
بمقاومت با هر دو برخیزد اما مقاومتش باید به اتم
درجه غیر فعال باشد

عالمها وجودیکه امر و نهی فوای بسیار مقتدره
لایتنابیه را دارا بود از حسن استیلای فوق العاده
معنوی خود مقاومت با قانون را به نسایم شدت
به فتاوی مسکبرانه اختیار فرمود، بل حدیث (استفت
قلبك ولو افتالك المقتون) فراموشش نگشته بود، در همان
کشاکش بین حق و باطل یا معارضة وصل و فصل
اسلام بفاصله کمی بعد از شهادت سرب کربلا آشت
و کشتار عمومی برخلاف هواخواهان اهل بیت تهیه
یافت که در صفحات تواریخ به سطور خون آلود ثبت
وضبط است

زن و مرد، شیخ و شاپ، ضعیف و قوی، یکجا
عرصه تیغ استبداد و ستمکاری می شد، این شکل
مناومت غیر فعاله يك الماحه ربانی حاصل نمود، و مردم
مجبور گشته که خلافاً لاعتقاد و حاکماً لاعتقاد چون
چاره منحصر بود متمسک به آن حره بصدای مؤثر
شده با ظلم و بی عدلی و بریت دست و گریبان
کردند

همچنانکه شهادت یادش خود وجدانیت بود که
مولد از ایقان راسخ کامل به حیات مذهبی بوده همان
طور در حیات عرفی کسانی که محله و وجدانشان
تعدد قوانین جاریه مینماید، و دوام میکنند به مخالفت
قوانین که مقصود اصلی از آلف قوانین انقاع حنبه
مرواجی و تحمیر شیمه مرویات است مقاومت غیر فعاله
بیش میگیرند، تا جراحات وجدان ایشان التیام پذیرد
آیا آن چه نوع معاصرت است که در این عصر
شالوده ش بر بی عدلی و عدم مساوات قرار گرفته ؟
دو رخ ضعیف بهشت اغنیا را مهارت میکنند، نه فقط

شاید خطا یا صواب باشد اما تحمل انسانی هم در ایجابی
قانون بشری همیشه حدی دارد، امروزه هیچ کس
مضایقه از اقرار نخواهد نمود، که در جایان حالیه شهادت
شخصی به منتهای درجه واستقامت معنوی به اشد صورت
موجود است، از جنیدی باین طرف این صفات بر ما
خوب مبرهن گشته

وقتیکه کاملاً سطحه معنوی حنبی جانبی حالی ما
شد و محقاً دانستیم که جانبی تربیت یافته و رای جایی
جاهل ست، آنوقت برای ما آسان خواهد بود که
بفهمیم چرا در اوقات امتحانات عظیمه و زمانیکه
حوش عصیبت و تعاق طایفگی غلبان دارد، جانب
جایی به مواضع ناصح اطلاق اعتنائی نمیکند، با جان
خویش بازی مینماید، و محبه خود يك تأکید معنوی
لا تلاف النفس میا فریبند تا رسد به حیات روحانی فلاح
ملی لذا مساومت غیر فعاله بشکل يك حره پلنگی و
يك قول معنوی قابل همه قسم محسین است، صرف
قوت جسمانی بخلاف قنذار مسامی که جهد در اجرای
هر قانونی مد یا خدب دارد البته مضاً صحیح نیست،
اما وقتیکه شما مقاومت با قانون مینماید غیر فعاله
شما میخواهید بفهماید که آنچه برای بعضی خوب و
عدل است، شاید برای دیگران بد باشد، تا زمانیکه
ادارات بشری نافع خواهد ماند، اشخاص با وجدان
قویه و با افکار منصفانه تفر خود را از غدغنهایی
لا تساویانه مان و سع بروز خواهند داد

تحت هر شکل حکومت قدرت را تمیید به یکجمله
از رجال میکنند که متدینانه محاکمه نمایند، و مساوات و
عدل فرمان راستند، از این برمیآید که بواسطه اینکه
رجال مدعو با اقتدار گشته اند، و اختیار اصدار قوانین
به ایشان داده شده، آنها را باید معصوم یا مبرا از اغلال
دانست، در اوقات بهترین رجال « با سروت ترین با
اصناف ترین یا محربه ترین » محکوم مینامند، و در اداره
قوتیه یا حکومت راه می یابند، بهمین طور بسیار
اتفاق میدافتد که کسانی که صدر امر و نهی میشوند جابر
و بی اصف و مال یندیش هستند، اگر نبوت میخواهید
مطالعه تاریخ ملل سابقه و معاصر بفرمائید، يك قضیه
تاریخ را من در اینجا نمیدانم عنوان میکنم، همه کس
میدانند که امروزه انگلیسها در اول قطار ملل عالم
محسوبند، و بنده یکدوره خطایی تربیت شده انگلند چه
مناومت غیر فعاله بخلاف صیفه تمام روز دادند، ایجا
ما يك شکل حکومت داریم که در عرض صدها سال
نقدن مراحل مصفیه را طی کرده است، حکومتی است
که بقدر امکانه تقاضا بر حد جمهوریت مستندمه رسیده

است و همان قاعده که ذکاوت و کفایت را لازم ملزوم عدالت و مساوات معین کرده ترتیب عدالت و مساوات را جز و لاینفک اقتدار قرار داده حکومتی است که از سبایش جمیع آثار استحقاق معنوی و سداد متناسب معذک ما می بینیم که قانونی محسب ظاهر در خیر حیثیات حاکمه اصدار یافته ولی هنگام اجرا در خلایق بکمره بزرگ فهم اتفاق می افتد که سوای این مورد همیشه مطابقت و تسامح بوده اند

قوانین عیدیه بجز اینند که آن را واجب الاطاعت میدانند لیکن به سبب اینکه در تمام اعصار بشریت را زیر نفوذ کشیده احساس میکنند که وجدانشان با این اقدام تازه وفق نمیدهد، این قانون جدید مورد تک تلافی سختی در مغایه ایشان میشود بجهت اینکه با حس استحقاق ایشان تقیص است، عایداً نمود از حکم قانون نموده بیه مجازات را بریدن خود مایلند

فرض اصلی از قوانین تأمین و حفظ منافع مردم میباشد نه تنبیه و جور و باید بهدایت قوه متفکره و احتیاج و صلاحیت به اعمال آید

دل احدی را نباید بجزا زبردت و وجدان را بی باکانه لگدکوب نکند

وقتی که انسان مرور به دقائق مناوَمَهای غیر فعاله رجال مینماید، میفهمد که به جهت عیب معنوی حق داشتند که ترددات وجدانی خود را بکنار نهند، نفس تشفی وجدان خویش مناوَمَ غیر فعاله را پیش گرفتند قبل از آنکه کور کورانه بن بقانون آدم ساخته در دهند، بقانون وجدان تسلیم شدند، شایسته هیچ متنسی نیست که آن قدرها حرمت قانون را نگاه دارد که استحقاق آنرا واقعاً مناوَمَ غیر فعاله آخرین مسالک آدم متدین است، اغلب فشار اقتدار جهانی او را به این امر و میدارد لهذا فعل او معنأ مسنعی نیست، اگر يك قلت از رجال مجبور بمقاومت غیر فعاله شود دیگر باید فائحه نساطت کثرت را خواند حتماً پشت کثرت خواهد شکست و نخواهد توانست که قدرت یا اهلبار خود را بخرج آن قات دهد، و مقاومت غیر فعاله رطاباً که حتی آحاد قانونی يك حکومت مشروعه یا حکومتی که قانوناً تأسیس شده باشد نیستند بیشتر بحق امتزاز است، چرا که همچو حکومتی انصافاً نمیتواند،

احادی را که در ایجاد آن دستی نداشته اند، مکلف به تحمیلات یا تحجیرات نماید

این نوع تحمیلات بر يك قسمت مخصوص يك قوم جاریه خواهد بود و عاقبت اساس بلندی آن يك قوم را به مخاطره خواهد انداخت، بلکه در علت غائی وجود همچو حکومتی تا مل خواهد رفت

ملاحظه فرمائید یکی از فضایل امریکا در مسئله مقاومت غیر فعاله جطور داد سخن داده میگردد، «قرنین نامنصفانه وجود دارد، آیا ما باید تسامح به تمکین کنیم یا سعی در ترمیم نماییم، و تا حصول منقاد بانیم یا اینکه فوراً متجاوز شویم

اغلب رجال تحت حکومت امریکا بخندانشان میرسند، که باید صبر نمود تا وقتی که کثرت را راضی به تغییر قوانین کنیم، گمان مینمایند، که اگر مقاومت کنند چاره کار بدتر از فساد آن خواهد بود، ولی این تقصیر خود حکومت است، که چاره بدتر از فساد میباشد حکومت آنرا بدتر مینماید، چرا مستبصر تر نیست که منتظر اصلاح باشد و نه به آنرا به بند؟ چرا حمایت از قات قائل نمیکند؟ چرا اهالی را ترغیب به نشان دادن تقیص نمی فرماید؟ چرا قبل از آنکه صدمه برسد داد میزند و مقاومت مینماید؟ فعالیتی که از روی اصول باشد یعنی با تصور و ابقای استحقاق وفق دهد امورات و معاملات را تبدیل میکند چونکه بالاصاله متغییه است و ما آنچه بدتر بوده کاملاً موافقت نداد، نه تنها يك و معتقدات را تقسیم میکند بلکه دود ماها را هم، آری هر فرد را تجزیه میکند باین معنی که طبیعت ربانی و شیطانی او را از هم جدا میسازد تحت حکومتی که رجال را بی انصافانه به حبس میفرستد محل حقیقی يك آدم منصف نیز محسب است

چهار صد و چیزی سال قبل از میلاد مسیح سزای یونانی هم همین زمره ها را داشته که فراعنه (املز) پایتخت یونان عاقبت حکم بقتلش داده بودند، دولتیان خدا شناس مقتدر تهمت افساد جوانان پایتخت باو زده میگفتند این صاف ساده ها را از پرستش خدا های ملی ما باز میدارد بلی تقصیر بزرگ او این بود که گوش بصدای ربانی یا ناصح باطنی میداد که آن را نپذیرفتمند یا اگر هم میپذیرفتمند خود را بکرجه علی

چپ میزند تا طر شان از منزل نماند

تخمیناً يك ماه بعد افلاطونی پیدا میشود که تا این فیلسوف هموطن گذشته خود میگردد. ملاحظه فرمایید به چه عبارت يك مفاد غیر فعاله را تعریف کرده میزویسد. آدم بد با همه نیت دنیوی پریشان حال است، آدم خوب ولو از جهات سته ابتلا برایش بارد مضطرب نمیشود، ولو حیوانی باو دست دهد مابوس نمیکردد، ولو ستم بند عناد بر هواخواهانش نمیکامد، ولو بخاکش کشند فنا ندارد.

قدیم تر از این دو حکیم یونانی که فوئیس جانی است که خط فاسل بن نمرود فعال و مقاومت غیر فعاله را، ابن العاط شیرین ساسه عام فهم کشیده و بیشتر طریقه من با رجال این بود که قولش را بشنوم و رفتارشانرا مستند شمام حالا طریقه من انست که قولشانرا بساجم..... استحقاق را بچشم دیدن و ادایم نکردن کمال بیفرونی است.

حل الخاق - عجب چیز است، این مقاومت غیر فعاله در هر عصر و در هر قوم و در هر ملک بوده و هست و خواهد بود، مقاومت غیر فعاله اند که سنگ راه منکرین واحوال وجود میشوند و اوازه ایشان آفاق تا آفاق را گرفته است منتها دیده اعتباری نخواهد که این فدا کاران نوع پرست را بشناسد و بحاجت و مال و زبان و قلم امداد شان کند (بضل به کثیرا و بهدی به کثیرا و ما بضل به الالهاسین)

(۲۴ می ۱۹۰۸ - پروفیسر عبدالصمد شاه)

صورت لایحه ایست که از طرف

اداره تمدن بجزاید معتبره

فر اروپا ارسال و تمای درج

و انتشارش شده است

خدمت عموم جریده نگاران عالم و متمدین حتی اولاد آدم معروض می دارد

نظر بدین طبیعی که سلسله بشر در معیشت و زندگی یکدیگر دارند همچنان در مراعات حقوق همدیگر هم یکدیگر مدیون می باشند

هر ملة و هر دوات که مراعات حقوق ملة دیگر

را نماید اولاً خود حق دعوی حقوق ندارد ملة متمدن و ذیحق بشمار نماید و در برابر عدل الهی متصرف می باشد

نایباً در حالة عجز ذیحق سایر دول و ملل را واجب است آن دولة را مجبور بایفای حقوق دیگری سازد نگذارند حق يك مانی را تضییع ناید

زیرا هرگاه حقوق يك طايفه یا يك ملة ضایع بشود بمناسبت حقوق نوعیه مشترکه حقوق تمام ملل که من حیث المجموع يك خانواده هستند تضییع می گردد، بواسطه ارتباط مادی و معنوی که سلسله بشر یکدیگر دارند صدمه نوع می رسد، در این مورد بحکم حق تمام ملل ذیحقند از دولت متعدی در صدد مؤاخذة بر آیند و عاقبت نمایند

هرگاه کوتاهی نکند محص اینکه ملة مقصوب الحق نمیتواند بدین طبعی خود را بعالم انسانی ادا نماید، و عاموریت الهی خود عمل نکند. باین واسطه لطمة باسایش و معیشت عموم ملل وارد میاید، رکفی از ارکانات ضروریات زندگی انسانی ناقص میاید

بنابر این مراعات حق مانی بر ملة دیگر لازم در صورت عدم مراعات مؤاخذة و عاقبت سایر ملل متعتم میباشد، در اینصورت بر هیچ يك از اهل عالم خاصه بصاحبان قلم که علمدار عدالت و اولیای جمع آدمیت هستند از اوضاع ماضیه و حالیه هر ممالکت و هر ملة مستحضر می باشند، پوشیده نیست ایران وطن مقدس و معشوق محترم ما که از شش هزار سال تا بحال برق استقلالش بخوابیده سند مالکیت ایرانیان در هیچ قرن از قرون لاشه نگردیده، در هر دوری از ادوار این مهین درخت شرق و غرب سایه انداخته و در هر عصری از اعصار این کهن گلستان طاهی را معطر ساخته با این حال در این قرون اخیره از بی بالائی ناغبان يك نذک ضعف بروی طارض گردید، از بی کفایتی پرستاران مرحله انحطاط رسید باینواسطه همچو ازان را فرصه مدت آمده وقت را غنیمت شمرده هر يك بشوعی تاختند، یکی يك عضوی ازاعضاء ریسه ایران را منفصل کرد، دیگری يك شاخ برثمر این مهین شجر را مقطوع ساخت، دیگری در يك معاهده اجباری يك حق عبده بری این سلسله را

غصب کرد و آن دیگری بتدبیر عملی يك حق حبه بحری این مملکت را تصرف نموده، بالاخره اکنون که نسیم حیات بخش اسانیت اثر داروی بیهوشی را ز کله مابده ماسم غیبی بحقوق حقه خود آگه مان ساخته علی العجله هیچ يك از اینها اعتراض نداریم میگوئیم، حقوق سی کرور خلق را چهار نفر نمیتوانند بدوای بخشند، میگوئیم اتصال عضو جسدی بجد دیگر عاریه می باشد، قوه مقناطیسی هر وقت باشد عضو منصل را بجد اصل متصل می سازد، همین قدر بخدمت حضرات عالی که هر کدام زبان قوم خود هستند مروج عدل و نسخ ظلم می بایند عرضه می داریم و از محضر شما متمدین حقیقی استغنا می کنیم

در قری که وحشیان عالم بتساوی داری حق شده اند بطوری که بزنگانی و معیشت حاواده بشری کفالت می کنند همان طور حقوق خود را در حاوادکی ثابت نموده مسترد داشته اند، چه جمله درد ناوحو- قدمت تمدن حقوق آسیایان عموماً و ما ایرانیان خصوصاً در خارجه بتساوی مراعات نکرد

در حقوق بشریت میان ما و دیگران تفاوت گذاشته شود هزاران نفوس مقدسه ایرانی را بی نصیر در خارجه بکشند در هیچ محکمه قابل محاکمه نمانند اگر دماغ يك نفر خارجه را ایرانی خونی نماید خونیهای ده نفر را مطالبه نمایند

در ایران تبعة خارجه مرتکب هر نوع عمل شیع کردد بقانون خارجه بجات به بند در خارجه هرگاه بيك نفر ایرانی سببه دروغ داده شود ابدأ مراعات قانون دولت متبوعه وی نکردد در مورد سؤال بيکی از معاهدات اجباری قدیم از قبیل معاهده ترکمان چای حواله شود

در حالیکه نصف مایه معیشت اهل عالم از آسیا و آسیایان است، در صورتیکه این همه عزت و جلالت اروپایان فوائد ارضی و حاصل زحمت ما بچارگان است، با این حال در حقوق بشریت بیابیت برای چه، نلت اهل عالم را باوجود هر نوع امتیازات شخصی و مزایای مملکتی و کفالت بزنگانی خانواده بشری خارج از دایره اسانیت داستان بجه جمله

نظم نفاق میان اولاد آدم کاشتن بجه دلیل، ماتی

را دینی و می را بی حق فرض کردن مطابق کدام قانون، تمدن با این وصف خود را متمدن شمردن و مرئی اولاد آدم داستان بجه سبب

ای متمدین حقیقی آیا سزاوار است ملتی را که نهذیب اخلاقش با اندازه است با وجود دور بودن از عالم و بی صبی از ضروریات نهذیب اخلاق بتصدیق (لرد کرزن) فرما فرمای هندوستان و سایر کار گذاران متجاوز از يك ملیون مهاجرین ایران در مدت چندین سال در هندوستان يك سوه خلق بروز نکنند

يك نفر از دست آنها بدبو انخانه شکی شود، با این حال این سلسله مامدنه وحشی شرده شوند، از حقوق مدنیت و بشریت بی بهره گردند

آیا شرط عمل است ماتی که ادرك واحساسش بدرجه است ناوحوود فشار استبداد چندین هزار ساله بيك مختصر اشاره حقوق خود را احساس نماید، بيك جلالت بحیر الممول و بيك شجاعت معجز نما حقوق خود را نگردد، ار طرف شما رعایت حقوق آنها منظور نکردد و مواجبات تشویق آنها در آئیه رعایت نشود، ؟

آنا شرط اصاف، است ماتی که اهدت جغرافیائی ممکنش طه ری است که دو صورت ارتدای ملت يك رگی از ارکان ارنه صاحب عالم مستقر کردد و دست دول متمدیه همدیگر برسد؟

با این حال دولتیکه ظاهراً دعوی صلح را میکند طامع کردد راضی باستمرار صلح نشوند؟

ماتی را که استعداد مملکتش بدرجه است بيك توجه مختصر ضروریات زندگی سه مسوی مات خودر میتواند از هر چیز رساند؟

در مونی که ملت در صد توجه میباشد در این موقع از آنها حمايت کردد صدمه باسایش نوع وارد آید عوض امیدواری نا امید می حاصل آید باینواسطه این مات نتواند دین خود را بهالم اسانیت ادا نماید، ماموریت خود را انجام بدهد، يك روز وحشت تمدنیات دولت هم مذهب دولت دولت عثمانی را داشته باشد، بيك روز وقت کران قیمت خود را بمرافقه بی اجازه وارد شدن سالدات روس مصروف دارد؟

يك روز منززل ورود سوار انگلیس گردد هر

وقت هر امری از امورات لازمه مملکت خود اقدام نماید ، هزاران معاهده مخفیانه هزاران مواعع سر به طامع شود ، دست مات بسته نماید ، حقوق و حدود شان محفوظ نگردد ، اراضی زرخیزشان محروم بشود ، ای همقان محترم ای جریده نگاران روسیه قبل از اینکه مات یصد اخذ حقوق حقه و آرادای مشروعه خود برآید قبله مندرسه حکومت استبدادیه خود را لاشه نماید مات عبور روسیه عازم باین مقصد عالی بوده ، آزادی طالب روسیه نقد حیات را در این بازار سرف نموده ، این دو مات در یک تاریخ باین امر عالی اقدام کرده اند شای عدل را در ممالک خود نهاده اند ، کلیه این حالت گذشته کی ها و تمام این جنگ و جدالها برای این بوده که مات داری حقوق کردند بازادی خدا داد خود رسند ، مسلوب حقوق نباشند ، تساوی دارای حقوق بشوند ، قوی حق ضعیف را باعمال نکند ، غنی فقیر را بنده خود نداند بد بختانه هنوز خون آن شهدای راه آزادی خشک نگردد . برخلاف این مقصود اثراتی ظاهر میشود بر علیه ایران معاهداتی بسته می گردد ؟

هرگاه آن شهدای شاهره عصیت با ابدان یاره و اجساد شرحه شرحه سر از خاک مذات نماند مات روسیه و اعضای دومی روسیه را در برابر عدل امی تحط ساخته بگویند ، ای کسانیکه ماقد حیات را داده شما را دارای اختیارات نمودیم ، ای کسانیکه ما با جان ازی و خوریزی خود شما را از قید استبداد نجات دادیم ، حکومت استبدادیه را مبدل بمشروطه نمودیم ، که شهادت اختیارات بشوید بر اعمال و افعال دولت نظارت داشته باشید ، نیکواری دولت خود سر به حقوق داخله و خارجه را صانع نماید ، نگذارید میل و اراده شخصی مانع بداخله و خارجه اقدامی منافی انصاف و مروت نکند ، ما بن حال هرگاه شما از رفتار دولت روسیه با مات ایران مطابقت و جواب نمیدید معاهدات و عادت دوره استبدادیه را منسوخ میکنید پس چگونه لای عدالت و تمدن می دیدید ، حق می خواهید ، اگر مسبوق نیستید پس چگونه نظارت بر اعمال و افعال دولت دارید ، اگر قوه جواب دادن و عاقت کردن ندارید پس چه

نوع مشروطه ، می باشد چه شکل خود را دارایی اختیار می دانید ، در اینصورت چه جواب خواهید فرمود بچه عذری متعذر نخواهید بود ، آیا خواهید گفت ، واد عهد نامه ترکمانچای حاکم است که حقوق ملت ایران مراعات بشود ؟

هرگاه آن فدائیان شاهره هدایت پرسند بچه سند دولت به روس با دولت فخریه انگلیس بدون استرضای ایرانیان در خصوص ایران عقد معاهده می بندند برای خود من دون حق می کنند ، چه جواب خواهید داد ، خواهید فرمود اقتدار دولت روس اقتضا می کند این دو دولت در ایران برای خود اثبات حق بکنند ایران را وجه مصالحه قرار بدعند ؟ در هر حال ما امروز با استبداد عجز استعنا می کنیم دول همجوار حقوق ما را مراعات فرمایند ، ما را مسلوب الحقوق ندانند ، در حقوق بشریت مانده خود و ما تفاوت نگذارند ، ملاحظه آئینه را فرمایند ، در خصوص شرایط استعراض و سایر معاهدات خانمان براند از دوره محروسه استبداد و حیدان خود را حکم فرموده عدالت و مروت را پیش نهاد نموده طوری فرمایند که ابواب سعادت و ترقی ما مات مفتوح گردد ، دوستی ما مات ما سایر مال باقی نماید ، بنای پاتیک دول همجوار ما بر روی محبت و صداقت گردد ، جز فوائد روابط تجرئی منظور و منصودی درمی یابد نباشد ، ملت بیدار را گرفتار کردن شرط عدل نباشد ، با ملت آگاه جز دوستی طهر دیگر رفتار نمودن عاقبت حیرت دارد ، هر حال باز عرض می کنیم ما امروز بلسان عجز از همساگان استعنا می کنیم و تقاضای دوستی می نمایم ، جنابچه عرض ما بدرجه اسعجابت رسد و در پیش گاه همسایگان مقبول نیفتد نقلی نیست حق بخش حافظ حقوق بشری است

(هزار نفس برآرد زمانه و نبود)

(یکی چنجه در آئینه تصور ما است)

از عموم جریده نگاران حق کو و - حق حوی اروپا نما و در خواست می کنیم که ترجمه مقاله فوق را در جراید خود درج و عموم برادران نومی ما را از حال ما مستحضر سازند (جریده تمدن در طهران)

محاكمة ژنرال استاسل

پس از اجرای محاکمه تسلیم (پورت آنور) حکم و قرار داد مجلس تبلیغ و رئیس محکمه (ژنرال وودار) قرارنامه را بقرار ذیل قرائت نمود

(ژنرال استاسل) که کوماندان اول قاعه (پورت آنور) و در هر خصوص صاحب اختیار بود، مندا با امر اعلیحضرت امپراطور محاکمه مشارالیه و (ژنرال سیمروف و فوق و رويس) بعمل آمده و افعال ایشان بدرجه جنایت رسیده و از سلك نظامی متقاعد شده بودند، باز با تحقیقات اخیر عدلیه احوال و اسباب معامله مذکور را با چشم دقت و اعتنا ملاحظه نمودند، که (ژنرال استاسل) در حالیکه کوماندان مواقع مستحکمه (کوان طونخ) و فرمانده قوای عسکریه قلعه مذکور بود بدون اینکه وسائط مدافعه را تمام صرف نماید قلعه را به ژاپونها تسلیم کرده و بوظیفه نظامی خود بی اعتنائی و عدم اطاعت نموده، لهذا به تفسیر و مسئولیت مشارالیه قرار و مطابق ماده دویست و بیجاہ یک جلد دوم قوانین نظامیه و مطابق ماده ۳۳ جلد ۲۳ آن بملاحظه و شرط اینکه (ژنرال استاسل) از حقوق مدنیه محروم نشود لهذا به تیر باران شدن او و بیویخ (ژنرال فوق) و مطابق حکم ماده ۹۱۰ جلد چهارم مجموعه قوانین به برانت (سیمروف و ورويس) حکم داده شد بعد بملاحظه آنکه قلعه (پورت آنور) در زیر فرمان (ژنرال استاسل) و قوه استعداد محاصرین آن قلعه بیشتر از قوه او بوده و سربازان (پورت آنور) در زیر فرمان هتروری و متانت بی شمار بخرج داده و مهاجمات و تعرضات لشکر ژاپون را بطور صحیح مدافعه کرده و در هر بار باعث کشته شدن ایشان بوده و ابدأ جسارت قبی خودشانرا از دست نداده اند بنا علیه اعلیحضرت (زار) بذل مروت و مرحمت و امر فرموده اند که مطابق ماده سی و هشتم جلد دوم قانون عسکری پس از این (ژنرال استاسل) در سلك نظامی مستخدم نشده و رتبه عسکریه اش پس گرفته و خود نیز ده سال بطور قلعه بندی محبوس بماند

تبلیغ حکم

هنگامیکه قرار داد محکومیت به اعدام (ژنرال استاسل) از طرف رئیس محکمه (ژنرال وودار) قرائت

شد، در حالیکه يك سکوت تمام و محزونیت بسیار در میان تماشاچیان بود، و قتیکه (ژنرال استاسل) قرار داد حکم اعدام خود را شنید فی الفور رنگش گلناری شده و با کمال متانت خود داری کرده و تاثرات درونی خود را نگاه داشته هیچ اظهار نکرده است (ژنرال سیمروف) در حالیکه دستپایش در جیبش بود و در مقابل این حکم يك حالت بی اعتنائی بخرج داد، و آنکه (ژنرال ورويس) است بنا بگریه گذاشت (ژنرال استاسل) با پسر خودش که در سلك نظامی و به اطاق محکمه آمده بود مبهوتانه ایستاده، و قتیکه حکم اعدام تبلیغ و عمل تبلیغ به آخر رسید، دوستان و آشنایان استاسل نزد مشارالیه آمده و دلنوازی کرده و دستش را گرفته و انواع و اقسام تسلی میدادند، و با همان حالت به بازوی پسر خودش اتکا نموده و از اطاق محکمه بیرون شد، اطاق مزبور پر از تماشاچی و اکثر ایشان از صاحب منصبان نظامی روسیه بوده و اکثر هم با خانمهای خودشان آمده بودند، و هنگامیکه حکم اعدام (استاسل) بخودش رسانیده شد، چند تن از خانمها از خود رفتند، و در همانجا و در بیرون اطاق و در دوائر علیحده نیز خیلی از صاحب منصبان نظامی حاضر بودند، که حکم اعدام (ژنرال استاسل) را شنیدند، فی الفور در یکجا گرد آمده به اعلیحضرت امپراطور تلگراف عرض نموده و عقو استاسل را خواستگار شدند، و استدعای ایشان نیز مقبول افتاده و تخفیف مجازات (استاسل) را امر فرمودند آصف

تربیه اطفال

مقدمتاً در ذیل عنوان فوق مقالات متعدده نوشته و زمانی اجزاء اداره مقدس را مشغول و قارئین محترم را نیز مصدع شده بود، چون این کیفیت مطلب خیلی مهم و جالب دقت است، لهذا برای تذکار خاطر اولیای اطفال وطن مجدداً زحمت افزا میشود

همواره اولاد بشر در زیر دو تأثیر بوده و هیچ وقت از آن دو قوه نمیتواند خود داری نماید، اولاً تربیت عائله، و ثانیاً تربیه مکتسب چون تربیت عائله از هرگونه تربیت بیشتر و به تربیه مکتسب متفوق است لهذا باید نخست از آنجهت گفته شود معلوم است که تربیت عائله از احوال ابتدائی

اصول شروع نماید و این نوبت عبارتست از آنکه يك سال از چه طور در منزل پدر و مادر و عائله و اعمال و همسایه حرکت نموده و در هنگام بر سر يك سخن چه گونه پاسخ بدهد، و شیوه حرف زدش چه و خورد و خواب و نشست و برخاست اش در چه سبک بوده باشد، شروع تربیه اطفال از اینجا از ضروریاتست، اما در حکم امروز اصول این تربیت که پذیرفته عموم است کافی نبوده و علاوه بر این چیزها را نیز محتاج و نا شروع تربیه مادر تربیت معنوی هم لازم دیده میشود، تربیت مغزیه نظریه و حالات معاصر معنوی است که در بین عالم است انواع ملزومات رسمی و اموری را که معز و کمال رسانیدر و ملاحظه باز تربیت در خانه و نشانی و مدینه را به آن در دست است باید که از آن آموختن ایستد که دکان کوچک بچه های خواب و نخوابد، بچه ها را با کوشش هر روز با عیال و منادیه در آن راه و آنچه از آن در دست است بدان کامل شد و در صورت با هر حیوان و به آن و بسامده، شش بود را احتیاج در و مدأ بواسطه دیگر بآن رسیده و نخواهد شد البته در اذهن آن خاکبر بوده در در واقع مانند تخمی خواهد بود که بیک زمین مستعد کاشته شود که اگر همه آن تخمها فروید لاند در صدی بود آثار فیض و نورات مدنیت نمودار خواهد بود، پدر و مادر را است بزرگترین تربیه مادی که باید نکودکان خودشان بدهند

اولاً آنها را آگاه نمایند که اسنان باید همواره پاک و پاکیزه بوده و در میان گرد و خاک و کثافت غوطه نزنند، و نگویند که هنوز اولاد ما خیلی کوچک است انشاء الله بواسطه بواش دارد خوب میشود، و برای چه چیزی که باعث عدم انتظام تربیت است اندکی بگریستن بوردیده خودشان راضی باشند تا در انجام هم خود و هم بچه هایشان در عالم مدنیت مانند گل بشکفند و بخندند به اینکه نگذشت ندامت گزیده و بچاره اطفال را هم قربان محبت سیاهلامه خودشان بایند هرزه و برکو و بی ادب و جاهل گذارند،

نایباً حفظ اشیا و رعایت آنها ولو از قبیل بازیچه بوده باشد و باز ایستادن از پاره زیان کاریها

دیده یاد میزنند یا در آنجا اگر مادر این بچه ها که وظیفه مادری او از آموختن آنکه آدم باید برخت و حالت خورد وقت بازی و تکیف نگردد و چیزهاییکه بدست افتاد خوب نگاه دارد و ریاضتکار و بی شرم نباشد، اندکی غفلت باید وقتیکه بچه خود را بمکتب میفرستند آنوقت در آمد کار هم بخود بچه و هم به اوستاد او دشوار و ناگوار میباشد، اما اگر تربیه ابتدائی را از مادر خود آموخته و بدبستان برود لاند هم از اوستاد سبک و هم آموزش خودش آسان خواهد بود و این نکته را باید از معامین مدارس پرسید،

اطمینان از طایفه خوردشان تربیت دیده و بمکتب آمده اما چه دشواریها در روزها دیده میشود و بیهم احتیاج به سر و دست توکالی که در نزد عائله خودشان تربیت یافته اند اولاً بجاوانند تحصیل نمایند و اگر کردار ایشان در حیثیت اخلاق بی چیز خواهند ماند که آسمان شان غایت شرم است و این قسم اطفال به آسانی هم عده اند چیزی بیاموزند مالمقرض زوری به مکتب میروند روز دیگر کتاب و دفتر پاره میکند، علم ضایع مینماید خود را بنا خردی میزند اینها که عرض کردم به تجربه رسیده است و هیچ خنده ندارد، بناء عایله باید اولیسا در تربیه خانگی اطفال کوشش بسیار داشته باشند

الآن که بنده در ارومی هستم ملاحظه مینمایم کسانی هستند که یا بسوق عادت و یا اینکه برای رفع شرم بچه های خود شانرا به مکتب گذارده و منظور هم همین است که فرزند صبح رفته و عصر برگشته در کوچه و برزن ویل نکردد و یا موی دماغ نباشد دیگر چه میخواهد چه مینویسد، چه می آموزد در چه خط سلوک میکند کاری ندارند، حتی از یک نفر دوستان شنیدم گفت که هنوز (. . .) کوچک است و هفت سال وقت تحصیلش نیست عرض اینکه در خانه مانده و لودگی و زیادکاری نه نماید به مدرسه فرستاده و آورده شدیم ۱۱. اگر چه بطور اختصار گفتنی را گفت ولی خیلی خوب فهمیدم که اصابع من کارگر نیفتاد، و بدی کار در انجاست که این نوع اطفال صرف نظر از تحصیل خورد بچه های مردم را نیز از کار آموزش باز داشته

و هم مثل میبایند. این است که مدنی در مدرس
فرنگستان و علی الخصوص در مکاتب ژاپون نخست
بچه ها را خلماً و خلماً از حیثیت استعداد امتحان
کرده و نسبت به قابلیت آنها در کلاسهای جداگانه
جا میدهند که يك فرقه از تحصیل نماند، و فرقه دیگر
بلکه با زور تربیت آدم بشوند، تربیه که مخصوص به
اطفال است باید بشب و روز و بادو قسم است روزها
باید منحصر به تعالیم و تربیت و مکتب بوده و شبها
و یا اوقاتی که بیرون از مکتبند در زیر تربیت اولیا
باشند، و میخواهم عرض نمایم شاید پیش ازین اولیای
اطفال از عدم فراهمی اسباب آموزش يك در هزار
معذور بودند که اولاد خودشان را جاهل گذارده و
تشریف بردند زیر تا کیون آفتاب دانش به این اندازه
آسانتر بسر ما نشایده بود دیگر جای پورش نمانده و
میتوان در برنو آرازی و بیداری این بویاگان زاد و
بوم را پرورش خوب داد

(اگر بدینان و بد نهادان وی آرمان و دشمنان
علم اسانیت مهتق و مرصق بدهند) آصف

اخبار محلات و سایر بلوک

مدنی است که بوظیفه خبر نگاری موفق نشده و
رابرتی بعرض نوسانیده و عمده بملاحظه امنیت عملی
و انتظامات حوزه حکومتی و راحت عمومی و فراوانی
ارزاق مطلب نازده نبود که مصدع شود، حکومت محلات
و سایر بلوک کما فی السابق از طرف حضرت مستطاب
والا ظل الساطات فرمانفرمای فارس و جناب
مشیرالملك وزیر و پیشکار بکف با کفایت جناب
میرزا محمود خان طباطبائی باینی مشروطه خواه
است، و انصافاً خوب مراقبتی داشته و دارد، وانجمن
محل باکال سعی و جد و جهد تأسیس کرده اند، ولی
تعجب دارم که با این همه زحمات جنوبی از طرف
دولت تا کنون برای حکومت این محل معین نشده، و
حکومت در خط استعفا میباشد خوب است که در
جریده فریده این لایحه را درج فرمائید بلکه در قلوب
خیرخواهان ملت و دولت تأثیری کند و دفع اضطراب
عموم اهل محلات از استغای معزی الیه بشود

کردستان

است بهاصی وضع این ولایت بحسن و بزرگوار
۱۹ نفر تشکیل یافته هفتة دوروز دایر است، ولی چه
کرده اند یا چه میکنند چه عرض کنم . . .

جناب ثقة الملك بعد از يك سال حکومت معزول
و جناب سردار افخم مأمور حکومت گردیده
میگویند با سه فوج از طهران حرکت خواهد کرد،
از روی انصاف جناب ثقة الملك در ظرف یکسال
بسیار خوب حکومت کرد و تمام مردم از رفتار ایشان
راضی بودند، وقتی از کردستان خارج گردید تمام اهالی
مشیت کرده از معزولی ایشان ملول بودند، بدری
جمعیت مشایخ زیاد بود که در استقبال هیچ حکومتی
دیده نشده بود

اشرار بن بواح دست از شرارت برداشته در
مرحله سال گذشته بوا طله قبول تا برت غنای مالیات
بداده و هزار هم که ساوجبلاغ تخلف کرده دم از
تابیت غنای میزند

طرف جوان رود نیز شش هزار تومان مالیات اق
مانده را نداده اند مختصراً طرف شهر چندین امنیت
نیست ولی شهر و بون آن در ایام حکومت ثقة الملك
امن بود و الحال هم از مراقبت مشیر دیوان پیش کار
امنیت هست

قریب شش ماه است مدرسه بانیم (معرفه) بهمت
چند نفر مردمان خیر وطن برست نوع خواه دایر است
قریب پنجاه نفر شاگرد در این مدرسه مشغول تحصیل اند
اگر فی الواقع حکومت نازده با سه فوج برسات
سهام الدوله رود وارد شوند امنیت سرحدات و
جلوگیری از عشار خاف و وصول طالبات سال
گذشته وامسال و نظم سایر نشاط و تأدیب اشرار خالی
سهل است، هرگاه این گفتگوها هم مثل سایر مواعید باشد
تا يك ماه دیگر که موقوع ورود ایل خاف است خدا رحم
فرماید بر رعایا و ضعفا، میتوانم عرض کنم چه خواهد شد

مکتوب از نجف اشرف

در این اوقات که گرفتاری برای کلیه اهالی ایران
حاصل شده عموم محصلین و مشغولین نجف اشرف رهین
پریشانی و قرض و مطالبه دیون گردیده بطور الجا
و اضطراب طلاب هر بلدی بنام هنده حضور مبارک

قرض خودشان را شرح داده بیک نحوی ترضیه خاطر آنها بعمل آمد ، از آنجمله طلاب گیلانی در خصوص ثات مرحوم حاجی میر قاسم گیلانی شرح حال بحضور مبارک حجج اسلامیه داده و استدعا نمودند که توصیه و سفارش بجناب مشیرالسلطنه دام اجلاله العالی که وصی ثات مزور است بشود ، تا آنکه در حق طلاب گیلانی که سالهاست از این خزینه گیلان محرومند ملاحظه و منظور شود ، و حجج اسلامیه نجف اشرف دامت برکاتهم هم کمال همراهی نموده دستخط توصیه و سفارش مرحمت فرمودند و بعضی از اشخاص غیر مستحق از اهالی بلدان دیگر که به (تسویلات) وسایط ثات مزبور را در حق خود مستمری و تیول قرار داده بودند ، در صدد کار شکنی برآمده لوائح بانجمنهای ابران و ادارات حراند ارسال داشته که طلاب گیلانی چون مخالف مشروطیه برآمده و طالب استبداد میباشند ، لهذا بر حجج اسلامیه نجف اشرف طغیان کرده و متمرّد از اوامر مطاعه ایشان گردیده اند ، تا باین وسیله و دسیسه حقوق این بیچاره گان را تضییع نمایند ، از آنجمله لائحهم بحضور مبارک عالی از فرار معلوم اظهار داشته که مطالب را بر شخص جنابعالی و اعضای اداره جبلالذین هم اشتباه نمایند علمنا لارم گردید که غرض و مقصود را بحضور مبارک اطلاع داده و سواد فتوایی حضرت حجة الاسلام والمسلمین آینه الله فی الارضین آقای حاجی میرزا حسین طهرانی دام ظلّه که رئیس مشروطیه و اس اساس این امر مقدس هستند ، ارسال داشته تا مراتب حقانیت این بیچاره گان بر جنابعالی معلوم و محقق گردد و اگر هم صلاح بدانید در جریده مبارکه جبلالذین درج فرمائید (عموم طلاب گیلانی منتم نجف اشرف)

سواد حکم حضرت حجة الاسلام

(آقای حاجی میرزا حسین طهرانی مدظله العالی)

بسم الله الرحمن الرحيم

البته بر متصدّین ثات مزبور لازم و واجب است که ثات مزبور را بمصارف و محال خود که جماعت طلاب

باز هم تا کیداً اظهار مبداریم که البته مبلغ مزبور را بشخص امینی برسانید ، که به محل خود برساند ، الاحقر نجل المرحوم الحاج میرزا خلیل قدس سره ، محل سر شریف حضرت حجة الاسلام آقای حاجی میرزا حسین طهرانی دام ظلّه

نگارنده بی غرض می نویسد

اکنون که اراده دارم از بواقص و عیوب این مملکت خراب مجملی بیان نمایم از شش جهت عساکر وقایع مفید و جنود حوادث عجیبه هجوم آور شده نمی دانم از بی عامی و سوء اخلاق عوام یا از خود بسندی متفدّین عظام یا از گوشه گیری بعضی صاحبان کلام یا از بی اعتنائی بعضی مقتدی لانام یا از تاقی گوئی بعضی از مدبران جراید در طی اندراج آورم

بهر طرف که عطف نظری کنم خراب اندر خراب بهر سو که غور و واری نمایم جگرم کباب اگر بخوام جمیع عیوب را عرض نمایم نه بنده را قوه تحریر و نه صنعت جریده مندرسه گنجایش دارد ، لذا واجب را مندم دانسته و معروض می دارد ، آنچه را که تصور می نماید در این مدت طاضیه آنچه از بی عامی و سوء اخلاق هم وطنان و غرض مغرضین و خرافات بعضیا بوده جرائد ملیه ککوتاهی در ترقیم فرموده و مخصوص آنچه واقعه سواحل بوده حقیقتاً درج فرموده اند ، فعلمنا واجب است شطری در طی چند سطر از مداعنه بعضی عرض کند تا اینکه شاید بعون الله و توجهات امام عصر اقلان این عمل شنيع که مایه خرابی ملک و ملت است بر طرف گردد ، و اصلاح این فقره باید بدانند که امروزه از هر مطلب اوجب است و مسامحه در اصلاحش باعث اتلاف حقوق و اهدار نفوس عمل خواهد بود ، و اگر کاری نشود روزی خواهد آمد که بواسطه سوء اعمال این نوع مداعلین و قریب جمیع روزنامجات از نظر مردم سلب و خورد خورد آنها را تطبیق و موازنه و هم سنگ فولکیر و تقلان سابق خواهند نمود از این گذشته نتیجه این اعمال اعم از این که هزاران سینه حاصل است دو طاقت و خیم ملاحظه خواهد شد که اینک اولاً که اتلاف

در حق ظالمی بر حضور امنای ملت اشتباه می شود کار عمده بآن ظالم سپرده یا در کار استبداد متعرض او نشده وقتی مشاهده می شود که هزار حقوق ملت و دولت منهدم گردیده ، روزنامه نگار زبان ملت است ، باید هر واقعه را در محل خود که رخ می دهد بلا ملاحظه درج نماید ، اگر مایه برای او باشد ترك روزنامه نگاری اولی است ، توغی بر او وارد نخواهد آمد ، هر وقت قادر باشد اقدام کند ، (یریدالله بكم البسر ولا یرید بكم العسر) لازم نکرده اوراقی ملو از مداهنه طبع شود و اسم روزنامه نگاری صایع گردد ، یقین دارم برخی ارباب جرائد در شکفت خواهند شد که آیا روزنامه نگار متمای هم دیگر امروزه باقی مانده ، و اگر باشد کیست و کجاست و از آنجاییکه بهجوت دامن مقدسشان ملوث مداهنه نشده باور نخواهند کرد ، اول وطن خواه و سرگرم خدمت و بی پروا و بی اعتنا و خادم وطن باید ارباب جرائد باشند ، اینها وطن مدیران جرائدیکه خود را در زحمت می ادراند بخيال خدمت مانا ، وطن ، و خود بواسطه اهل وطن در زحمت قرار می دهند البته بخوبی شناخته اند ، مدیران روزنامه نباید مداهنه نمایند ، و باید کشف مطالبی را کنند که مضر بحال ملاء و ملت شود امیدواریم ارباب و بزم جرائد ما ترك مداهنه را گفته بنویسند آنچه را که مفید بحال ملت است ، واقعات را از روی صحت و درستی باید درج نمود تا رفع شبهه از امنای ملت شود ، و مستبدین را بشناسند ، و در مقامات معتنا که مطلع نظر دول متحابه و اهمیتش از جمیع ایران بیشتر است ، بلکه در مقاماتی که میتوان گفت دو کرور مخلوق ساکن و محل حمل و نقل اموال با اندازه جمیع شهرهای ایران است یکدفعه بی صدا و بی آواز اند و گویا روزنامه ندارند ، روزنامه نباید در تعریف و توصیف مستبدین یا غیر مستبدین اوراق خود را بکنند ، روزنامه باید ملت خود را از بعضی تکالیف حقوقی آگاه یا دعوت بانجام نماید ، شما ارباب جرائد چه وقت خاطر امنای محترم را از بی نظمی شهرها و بی تربی تجارت و دست اندازی اجانب و تسلط بیگ امیران و اهت بنا در وائف نموده اید ؟ چه وقت

که هر بی سرویائی از طرف کویت بسمت رود حله هر قدر جان و عطاری زیاد به خلفیه برده قلم داده اید ، چه وقت از عدم فائده و ضرر این جهسازات مسی بشاهی ایران و خرج تراشی های کارگذارنش در صفحات روزنامه خود نوشته اید ، آخر روزنامه که این مطالب در او نباشد دیگر چه دارد و چه فائده را مترتب است ، ورود و حرکت مردمان نامی و نعمت صحت و امنیت بلد اینقدرها مفید بحال ملت نیست ، و فقط زحمتی از دوش حکیمان مملکت که منای ملت باشند ، برمی دارد که افکارشان صدمه نخورد ، افسوس که نمیدانم چه گویم که بعضی حمل برغرض نکندند ، خوب مردمان عزیز این مطالب عالی و واجب که درج نمی شود تقدیم آستانه ، دیگر مداهنه و تمایح چیست ، جناب فلاان بفلان جا حرکت کرده طیلی خوب ، اخبار اعمال او که از فلانجا میرسد ، و گرفتن یکمزار ایرا را برای ترویج کار مستبدین چرا نمی نویسید؟ خبر هم دارم که خواسته اید بنویسد ، ولی جناب نایب الحکومه خواهش کرده ، بیخ بیخ لکم ، ملت را بخواست نایب الحکومه نفروشید ، خواهید گفت چاره نداریم ، عرض میکنم عدم چاره ترك است ، بکلی ترك کنید ، شما که نمی توانید حق گوئی کنید ، چه فائده دارد ، هر مطالبی که بر اوراق مندرج می شود ، یا حق است ، یا ناحق ، هرکس مانع از حق نویسی دارد ، لابد باید ناحق گوئی کند ، ملت چنین نگارش ترا هیچ لازم ندارد ، مثلاً می فرمایید نعمت صحت و امنیت برقرار است ، گویا هنوز ندانسته ، که اطمینانی در امنیت ذاتی نیست ، امنیت باید بواسطه اسباب حاصل گردد ، گو اداره نظمی ، کدام دسته عسکر که اقلاده نفر باشد در شهر برای حفظ نفوس موجود است ، کدام پاسبان در شب خانه های مردم را صیانت مینماید ، کدام اداره از برای حفظ انور و حدود مملکت مهیاست این قدر هست که اهالی سواحل بواسطه اینکه اشراش طیلی قایل و حقوق خود را هم نمی دانند ، هر بلانی بر سر آنها وارد آید حرکتی ندارند ، اما عدم امنیت بود که (پوس) بچاره بی حقه بقتل رسید ، کاکا سیاه بی گناه چه کرده بود ، که روز روشن مقتول گردید ، کی

سرفت کرده اند، که تا بحال مال خود برسیده و تا این وضع بماند نخواهد رسید، پس است مداعنه، کفایت است نفاق گوئی، دور کنید رشوه گیری را، حال که به حقیقت گوئی اجازه ندارید اقلاً مداعنه را از خود دور کنید

اقلاً خدمتی بملت نمی کنید زحمت بملت نرسانید، چیزی که ملت خواهان را بهیچان آورده شرح و بسط و توصیف و تعریفی است، که بی شرطانه درباره ظالمین و ستم کاران خانی می شود، بعد از در نزد وجدان خود طعنه نگشته که این قدر تعریف درباره مستبدین عظمی بنمایید خدا قسم هر کس که اطلاع بوضع امور دارد با سنده هم قسم است، می داند در درج این نقائص چه فائده برای ملت و دوات حاصل است، احاط از این بدبختی ملت، فعال از این خود بسند، مگر آنکه روزنامه نگاران چنان عادت قریبی داشته باشند، هیچ وقت کان ترقی و بیداری آن را نبرند، طوب است يك قدری سرمشق از حراند خارجه بگیرند امروز دور حق گفتن است، بخدای لا شريك له، مستبدي مستدرتر و ظالمی قوی بجه نواز مدو حین نما سرند در ایران بیدار می شود، این سواحل هرگاه در حیطة تصرف قانون بود، با همین حال حالیه که اسباب ترقی مملکت فراهم نیست، در عرض چند سال جمیع قروض دولت ما را ادا می کرد، اکنون بعد از خرج مفاصه حساب دست می دهند، یا وجه قبلی، اهالی بیج ماکی از مملکت ایران بادره اهالی سواحل ذابل و در فشار استبداد بیستند، احدی ز ملت قوه ندارد اعطای مملکت در یک وجب زمین نماید، یا سحتی خلاف میل حکام و زبان آرد، احدی را قوه شکایت نیست، این حکام محترم تا خود شان دارای بیاس یا خر ما باشند رعایت می تواند، حسن طرد را بفروشد ابتدا باید حال حکام فروش رود، با این حال این اشخاص لایق تعریف اند؟ استغفرالله، حق این است، که باید روزنامه نگاران در صدد برآیند، و جمیع اعمال آنها را با جمیع مداخل شان بدست آورده درج نمایند، و انشاء الله جهد داریم که من بعد عبادات و رفتارهای این اشخاص را فهرست کرده با اداره مقدسه ارسال داریم تا بر افشای ملامت استبدادیان و بر ملت حرکات

مداعنه در صبح کردند، و مات تکلیف خود را دانسته فهمید من بعد بجه نوع رفتار کند

خبر خوار وطن (ش - ز)
لنگه

یوم یکشنبه ۹ شهر ع ۲ بست بوشهر وارد لنگه شد، از اقدامات رقبای صدر علی خان بجرم وطن برسی معزول و حیدرخان سرهنگ بجایش مقرر شد، و تمام اختیارات گویا به (بدر) وکیل انگلیس محول گردید، از استماع این خبر تمام مردم به هیجان آمده و اشخاص ذیل را از طرف خود برکات مطلقه به بوشهر فرستاده که به آنچه منتفی است اقدام کند

- (۱) جناب حاجی علی حواجه (۲) جناب ملا عباسعلی حاجی علی اکبر تاجر وکیل جمشیدیان
- (۳) جناب ملا عباس عبدالله عباس تاجر بسنگی
- (۴) جناب ملا عبدالله حاجی حسن گلداریه
- (۵) جناب حاجی محمد شریف حاجی عبد الرحیم تاجر اوری
- (۶) شیخ طایفه از طرف حضرات آل محیط
- (۷) جناب ملا محمد احمد بن اسحق تاجر اوزی
- (۸) حاجی محمد صانق وقت سوار شدن موافقت کرده و عازم بوشهر گردید.

تاریخ ۲۱ ع ۱۳ وارد شده از اقدامات (بدر) و اعمال و عمال او تاگرافاً به نظام الساطنه عرض شد، و از ورود خود طان باجمن محترم جنوب طهران هم خبر داده ایم و تمام خیالات ما این است که این مرد مستبد که در لنگه مهیج فساد است جداً از لنگه حرکتش دهند، نصیب این مقدمه خلی است ولی چون حصرت عالی تا یکدرجه چیزی بر خلاف انگلیس در جنوب درج میفرمایند، لازم نیست شرح دهیم - باشد تا روز نامه دیگر پیدا کنیم و بنویسیم، که درج شود - انشاء الله تا چند روز دیگر مراجعت خواهیم کرد تمام این انفلات از اعتضاد دفتر است، فعلا جناب دریایی و انجمن ملی با ما همراهی دارند

حبل المتین
 هموطنان عزیز ما بدانند که نسبت مداعنه یا خوف بی جا با اعضای این اداره ملی دادن از گناهان کبیره بشمار است، حبل المتین در هر حال و هر جا آزاد است به مطال...

نگارشی که از شهر انچه رسیده میتوانیم گفت که اهالی این شهر از حرکات آقا (مدر) متفراند ولی سند بدست ما نداده اند که از روی صحت تعقیب نمایم، بی هرگاه سندی در دست باشد در کمال آرازی در او بحث کرده اداره خارجه هند را متوجه می نمایم، که بدقت رسیده کی فرماید

ما قبل از اینکه این مسئله را موضوع بحث قرار دهیم استدعا می نمایم که اداره خارجه هند حرکات (آقادر) را دولتی که تحقیق نموده و رضا ندهند که اهالی يك شهر بواسطه يك نفر از خودشان که بستگی به انگلیس پیدا کرده از دولت و ملت انگلیس ناراض شوند، و ثان ندویم نه ما این همه نفرت ملت (مدر) نتواند خدمت پانگی هم دولت انگلیس نماید، به که بعد نیست ضررش بدولت انگلیس پیش از این آف باشد معصوم این است که اداره جبل المبرمدانه ندارد ولی در کاغذی هم خود را محاطه می اندارد سند صحیح دست ندهند آوقت اگر نوشت مداهن است

طهران

مریضخانه مبارکه ملی

یا من اسمہ دواء و ذکرہ شفاء

از آنجائیکه بزرگ تاملی جل شاه وجود انسانی را اشرف مخلوق خود قرار داده و او را بنیاد (و لقد کرمنا بنی آدم) مفتخر و در حق او (تبارک الله احسن الخالقین) فرموده در حفظ صحت او که موجب نظام و انتظام عالم است تأکیدات و اوامر بایضا فرموده بدرجه که حفظ صحت را مقدم بر تمام فرائض و عبادت خویش قرار داده و برای علاج امراض جسمانی و روحانی او انبیا عظام (ص) مبعوث و بجهت عبادت مرضی فوائد دنیوی و اجر اخروی مقرر فرموده و بنص کریمه (انما المؤمنون اخوة) عقد اخوت در بین مؤمنین بسته امروزه که بجهت تاملی از توجهات (امام عصر) عجل الله فرجه اهالی مملکت ایران از خواب هزار ساله بیدار و در خود حسن انسانیت مشاهده کرده در صد آبادی مملکت و خدمت بنوع و ترویج صنایع داخله بر آمده اند، و مسلم است اقدام بامور

دنیوی و خردی فرع از این است مراجع و چون اهالی از الحلاوه از سر مان غریب یا فیهب و بی بداعت در هر ساله عده کثیری بواسطه امراض جزیه و اغلب از نداشتن پرستار رحمت بدار قرار میبرند و فقرا و برادران و خواهران وطنی ما که مبتلا بچون هستند در شوارع و معابر آلت سخریه و متک عرض مات ما میشوند، در عوض آنکه ممالک خارجه در هر سال مبالغی گزاف بجهت حفظ الصحة نوع و از دید جمعیت در کمال شرف ثروت خرد را شایر میکنند حق در ممالک غیر بری پیشرفت متعاضد پانگی بود و جذب فلوب تأسیس در این و مریضخانه ملی میبایند جدا بجهت دولت یکی در تهران و یکی در این شهر احداث کرد، اما و هر چه در حال ما مردم این مملکت متوجه این نکات بگردند و بدین است رفیع بن معات بخورده شد جز تأسیس مریضخانه ملی که بخوا مرضی ملت و برادران دینی، معالجا نماید و بن معات سلف در امر بن احمد خاتم شرع انور وده دلی در باب عام سعادت و فلاح و یأس از فراهم شدن اسباب در مقام اطمینان بر نیامده و همواره متروک فرصت و سعادت و وقت بوده تا در بن اوان سعادت انفرادی بواب خیر و فلاح روی ملت ایران افتتاح شده و حسن بشریت مردم ببحوش آمده از تفضلات کامله الهی و توجه حضرت حجة الله فی الارضین و آیه الله علی العالمین امام عصر عجل الله فرجه و اقدام حجج اسلام مدظالم علی رؤس الامم درین شاهنشاه جوان جوان بخت عادل بندگن اعلی حضرت اقدس هابون محمد علی شاه قاجار خلد الله ما که وسائل ترقی از برای این ملت دست داده است و عموم اهالی بجهت پیشرفت امور و خدمت بنوع با تمام قوا حاضر گشته اند تکلیف خود را در تقاعد جایز ندانسته لذا بر خود لازم شمردم که مقصود خود را بتوسط این ورقه بعموم ملت و هموطنان عظام اعلام نموده تا هر يك به رحمت خود در این امر خیر اقدام نموده که انشاء الله تعالی در همین ایام این کار خیر تأسیس شود و برای تشکیل این مریضخانه مخارج ابتدائی و استمراری لازم است ابتدائی برای مصارف اساسیه و دواخانه و آشپز خانه و غیره استمراری بجهت مخارج دوا و

غذا و مواجب طبیب و اجزاست عموم هوطنان و برادران خود هر قدر بخواهند اقدام نمایند در کمال افتخار پذیرفته خواهد شد و بموجب نظامنامه صورت جمع و خرج هر شش ماه یکمرتبه بتوسط روزنامه جات طبع و تویج میشود و تمام مشترکین حق رسیدگی خواهند داشت

(الداعی محمد جعفر ابن محمد باقر الحسینی الملقب بصدراالعلماء)

نظامنامه مریضخانه مبارکه ملی

بسم الله الرحمن الرحيم

پس از ستایش بزدان پاک و درود بر پیغمبر لولاک و نعت آل و اصحاب که منصور آفرینش و چراغ راه پیش اند هر ضمه میدارد، این اقل خدام شرع انور در این اوان سعادت افتزان که ابواب خیر و فلاح بروی ملت افتتاح و ثمرات مجلس مقدس آحاد و افراد ملت را متمم نموده بخمال اجرای مقصود چندین ساله خود افتاده و آن ایجاد و تأسیس مریضخانه ملی است که اولاً حفظ نوع بشریت شده از نعمت صحت و سلامت برادران و خواهران وطنی فقیر و غریب و مجانین ما کامیاب شوند، و ثانیاً در انظار اجانب آلت سخریه و استمزه و مورد طعن و لعن واقع نشده باشیم، آیا بکدام قانون رواست که دواتین روس و یونگی دنیا برادران فقیر ما را مجاناً معالجه نمایند و این مسلمان با آن غیرت جلی زیر بار دیگران ماده دستها را بسوی آستان آنها دراز نمایند

علیهذا از تفضلات کلمه الهیه در تحت حمایت و توجه حجة الله فی الارضین امام عصر عجل الله فرجه و مراسم اعلی حضرت اقدس شهریاری و عنایات حجج اسلام مدظلم علی رؤس الامام در این امر مقدس اقدام و نظامنامه آن را که مصحح جنابان اطباء فخام است بموجب شرح دلیل پایش نهاد عموم هوطنان عظام و آقایان گرام نموده که هر يك بقدر همت و در خور قنوت خود در این بقای خیر اقدامی فرمایند

مشمول است بر دو اصل و يك خانه

اصل اول امور اساسی

مشمول است بر سه فصل

فصل اول

(ماده اول)

چون غرض از ایجاد و تأسیس مریضخانه ملی

علاج و استعمال مریضی ملق است مریضی فقیر و غریب و بومی از مرد و زن و مجانین پذیرفته و مقبول خواهد شد

(ماده دوم)

مریضخانه مبارکه ملی بجهت تلقیح ماده آبله عموم اطفال ملت با کمال افتخار در هفته دو روز حاضر است

(ماده سوم)

دوايی کچلی بجهت عموم مردم با دستورالعمل لازمه همیشه مجاناً در مریضخانه مبارکه ملی حاضر است

(ماده چهارم)

مریضخانه مبارکه ملی بجهت سنه سنیه طقته اطفال عموم ملت همه روزه حاضر است

(ماده پنجم)

بجهت بستن جراحات و زخمها و شکست و بست مریضخانه مبارکه همه روزه قبل از ظهر مجاناً حاضر است

(ماده ششم)

مریضخانه ملی به سه ترتیب مریضی عموم ملت را خواهد پذیرفت

اول - اشخاصیکه فقیر و غریب هستند و هیچ وجه قدرت بر مخارج یومیه و دوا و غذای خود ندارند، این اشخاص را در صورت کفایت مکان و خالی داشتن تخت خواب پس از تعرفه پذیرفته و مجاناً دوا و غذای او را متحمل است

دوم - اشخاص متوسط الحال از کسبه و غیره که قوه حق العلاج طبیب و دوا را ندارند، بجهت پذیرفتن این نمره اشخاص مریضخانه ملی از صبح تا ظهر مهیاست و پس از رسیدگی طبیب دوايی این گونه مرضی از دواخانه مخصوص مریضخانه مجاناً داده میشود تا معالجه شوند

سوم - مریضی غریب با مکننت از تجار و اعیان و غیره که فقط محل مناسب و پرستار و طبیب لازم دارند براسی این نمره اشخاص چند اطاق مزین مخصوص مهیاست که در کمال افتخار به پذیرائی این گونه اشخاص مریضخانه ملی اقدام مینماید، و پس از علاج صورت مخارج معالجه مطابق بحد دفتر مریضخانه ملی دریافت خواهد شد

(ماده هفتم)

هواند مريضخانه ملي از وجه اعانه بزرگان ملت و بلند همتان وطن خواهد بود از هر قوم و طایفه که باشند

(ماده هشتم)

وجه اعانه ابن مريض خانه بر دو قسم است ، ابتدائی و استمراری ، ابتدائی از جهت کلیه اساسیه مريضخانه است از قبيل فروش و ظروف و دوا خانه و اباس وغيره و و

استمراری از برای کرایه منزل و مواجب اعضا و مخارج مرضی

(ماده نهم)

وجه اعانه را مشترکین عظام بدو قسم میتوانند بپردازند ، اولاً یکی از تجارخانه های معتبر داده و قبض تجارخانه ها را بدفتر مريض خانه ملي تحویل و قبض چاپ مخصوص و مهور به مهر مريضخانه که علاوه از مهر رسمی مريضخانه مبارکه ملي به مهر مدير و ثبت دفترخانه مريضخانه مهور بوده باشد دریافت دارند ، ثانياً وجه اعانه را در مريض خانه تحویل داده ،

قبض مشروح فوق را دریافت دارند

(ماده دهم)

پس از وصول وجوه اعانه ابتدائیه و تهیه اسباب اساسیه مريضخانه مبارکه از بابت وجوه استمراری هر وقت بقدر مخارج چهارده نفر از همه جهت معین شود فوراً مريض خانه افتتاح خواهد شد ، و هر قدر بر اعانه استمراری اضافه شود بر عده مرضی نیز اضافه خواهد شد ، تا بالغ بر يك صد و ده نفر شوند

فصل دوم

(ماده یازدهم)

مريض خانه مبارکه ملي قرار دادی با معلمین طب مدرسه مبارکه دار الفنون خواهد داد که هفته پنج روز از دو ساعت بظهر ماده تا ظهر ده نفر از معلمین سال دوم بیالا با یکی از معلمین مدرسه دار الفنون حاضر شوند ، و طبیب متهم مرضی حاضر را با شرح حالات و تشخیص مرض و مداوا بر ایشان عرضه میدارد که هر يك از معلمین مرض را امتحان نمایند

(ماده دوازدهم)

در موقع رسیدن مريض جدید طبیب مقیم چند

نفر از معلمین را مگارد که شرح حالات و مرض او را سؤال کرده و تشخیص خود را درباره او بدهند و بعد طبیب يك يك را سؤال نموده مطالبه دلائل برای اثبات تشخیص هر يك مینماید ، و بدین طریق مطالب عامی را که در مدرسه می آموزند بقوه فعلیت رسانیده عملاً تکمیل می شوند

(ماده سیزدهم)

طبیب مقیم شرح حالات تمام مرضی را در لوحه مخصوصه بهر يك از آن ها مفصلاً نوشته تشخیص مرض و مداوا و اثری که از ادویه مترتب شده شرح میدهد که تمام معلمین بتوانند از طریق مريض مستحضر شده در موقع بیانات معلم درك تمام مطالب را بمانند

فصل سوم

(حقوق مشترکین عظام)

(ماده چهاردهم)

مشترکین عظام هر مريضی را از مرد و زن و بچانین از فقیر و غریب با نشانی یا رقمه مهوره پس از استعمال از حالی داشتن تحت جواب به مريضخانه روانه نمایند بذرفقه و مقبول است

(ماده پانزدهم)

برای پیشرفت امور و اصلاح قوانین داخلی مريض خانه هرگاه مطابق نظر مشترکین عظام رسد توسط لایحه مهور حق الخطار دارند

(ماده شانزدهم)

مشترکین عظام یا وکلاء آنها هر سه ماه یکمرتبه پنجروز قبل از محاسبه به بنوسط حراند اعلان خواهد شد باید در مريضخانه حضور بهم رسانیده چند نفر از بین خود بجهت حضور در مجلس محاسبه عجب نمایند

(ماده هجدهم)

مشترکین عظام یا سایر هموطنان مریکاء خلاف قانونی از یکی از اجزاء مريضخانه مشاهده کنند حق الخطار بمؤسس کل دارند که با حضور شش نفر از اشخاص که هر يك سالانه پنججاه تومان یا زیاده میدهند یا وکلاء آنها محاکمه نمایند در صورت ثبوت خیانت عمارت شود

(ماده بیستم)

نظارت محاسبه اداره مريضخانه ملي در تحت مراقبت و مواظبت شش نفر اشخاص محترم ز طبقات

مفصله ديل است که هر سه ماه یکمرتبه در مريض خانه تشریف آورده بجمع و خرج رسیدگی نموده فرد محاسبه ذیل را مزین نماید که سواد آف طبع و بیشترین عظام و سایرین توزیع شود

مؤسس کل يك نفر، از علماء يك نفر، از شاهزادگان محترم يك نفر، از اعيان يك نفر از وكلاء دارالشوراء يك نفر، از نجار محترم يك نفر

تصویب و تصدیق وزارت علوم

امروز تاسیس مریضخانه از روی اصل صحیح نظر بحاجت این شهر الزم امور است، وزارت معارف مؤسسين محترم را که این عمل خیر مبادرت فرموده اند تبرک و تمهیت گفته است حکام این اساس را از همت معارف پروران وطن امید و انتظار مخصوص دارد، چنانچه فعلاً براتص هم در ترتیبات و نظایات آن باشد امیدواریم بتدریج از حسن مواظبت مؤسسين محترم و سایر مشترکین معمم اصلاح و تکمیل شود

شهر ذی القعدة ۱۳۲۵

چون از جهت پیشرفت مور و اطمینان هموم مات محترم برای رسیدگی و بواجبی وجوهات اعانة مریضخانه، برکة ملی مؤسس معظم این امر خیر جناب مستطاب شریعتمد رنة الاسلام والمسلمین آقای صدرالعلماء دامت برکاته از جبهی محترمین که همواره در سراط خدمت بیوع بوده و مراتب درستی و کفایت خود را کاملاً پیشهمد بن مات نموده و سلهای دراز خود را بدرستی معرفی کرده اند دعوت فرموده و ایستاد عض خدمت بوطن ماغزیمی نابت و بقی راسخ بجای این خدمت بیوع را منقبل شده اند

علی هذا عض اطلاع بمات اسامی آن جنابان را بتوسط این لایحه بموم مات اخطار نموده و ضمناً اظهار میدارد، که این هیئت اماناً همه هفته تشریف فرما خواهند شد و کلیه جمع و خرج مریض خانه بتصویب و اطلاع این هیئت محترم خواهد بود، و هرکس بخواهد اعانة باین اداره برساند باید بیکی از آقایان داده قبض رسید مریضخانه را دریافت فرماید و این هیئت محترم موقتاً تا يك سال برقرار خواهند بود، و پس از آن تعیین اماناً نیز بمیل و انتخاب جنابان مشترکین عظام خواهد بود

جناب مستطاب اجل آقای مؤمن الماک
جناب مستطاب حاجی سید آقای صرف
جناب مستطاب حاجی لطف علی ناچر اتحادیه
جناب مستطاب حاجی میرزا علی صرف
جناب مستطاب حاجی میرزا علی محمد ناچر اصفهانی
سرکار متمدالسلطان تومانیانس
سرکار متمدالسلطان ارباب بهرام شاه جهان

حبل المتین

چه قدر اسباب چشم روشنی و نجات یاری مات است، که پیش آهنگ جمیع طرق سعادتشان رؤسای روحانی شده اند، بجمداقه هر اقدامی که این بزرگواران نموده بحسن انجامش مات را امیدوار نموده اند، انضمامی اداره حبل المتین هم از طرف خودوهم باسان مات حضرت مستطاب آقای صدرالعلماء را باین خدمت عالی و نوع پروری تبرک میگوایم، و امیدواریم این اساس خیر و سعادت ابدالهدی باقی و برقرار و همه روزه در ترقی و وسعت باشد تا این نام بزرگ ملی را شایسته و در خور آید و ما با کمال اطمینان هموطنان دور و نزدیک و مشترکین محترم را باین امر خیر که سعادت دارین است دعوت می نمایم، الحق افضل لاعمال و اعظم الخیرات است، هرکس هر قدر بتواند و بخواهد درین عمل خیر شرکت نماید، عذری نیست، و باید ملا واسطه بمؤسس محترم مریض خانه ملی و یا یکی از اعضا در طهران رجوع نماید، اداره حبل المتین کلکته از غرة جمادی الاول سنة (۱۳۲۶) ماهانه يك تومان ذمه دار است، که بمریض خانه مبارکه ملی برساند، امیدواریم حیرین و عماید و متمولین نیز باین طرف توجه نموده همی در خور مقام و مرتبة خود فرمایند

وطنیه

ارخامة جناب مستطاب آقامیرزا مهدی

(حیدر آباد دکن)

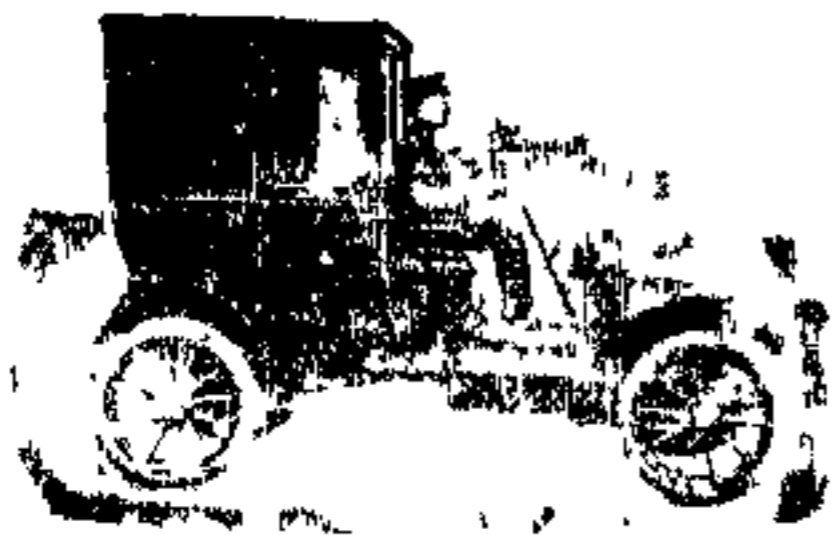
افسوس که ایران شده بامال جهالت
صد آه که ملت شده مغروق ندامت
دردا که نمودار شد آثار هلاکت
صد داد که مسدود ره خیر و سلامت
(از ظلم و بطالت - افسوس وطن رفت)

امنیت مردم همه معدوم و نهایت شد
 آشوب زهر گوشه نمودار و عیان شد
 آوازه شورش زمین و زمان شد
 رسوائی ما نشر در آفاق جهان شد
 (دیدی که چسان شد - افسوس وطن رفت)
 گویند که انصاف در ایران شده موجود
 گویندم اجحاف وهم عصیان شده مقفود
 انصاف و عدالت شده بالکلیه معدوم
 آثار ترقی است عیان غم شده نابود
 (این جمله غلط بود افسوس وطن رفت)
 مات بچه سان هرقه درین بحر شکر فند
 دوات زچه ره ماده درین منزل شرفند
 گویا همه باشد مواعید و بحرف اند
 افسوس که سردند و خاک چون یخ ورفند
 (تو هیچ حو ظرفند افسوس وطن رفت)
 گفتیم که قانون باید همه را شاد
 گفتیم که آثار شقاوت رود از یاد
 گفتیم که ایران بشود یکسره آزاد
 بنمرد بسعادت و شرات همه بنیاد
 (مان جمله بگویند افسوس وطن رفت)
 ایران شده در قعر خطر حسنه و ناچار
 ابنای وطن جمله بافضل گرفتار
 این هبت مات شده دلخسته و بیچار
 پوشیده با هست همه عات و اسرار
 (این نیست سزاران افسوس وطن رفت)
 دوات نکند کار همراهی مات
 گویا که بود طالب مدبختی و ذات
 پوشیده و مخفی است چهره موجب و عات
 دین تفرقه منجر شده بر سخطی و نکبت
 (آوخ ز مذلت افسوس وطن رفت)
 چون حال وطن زار دل افکار چنانست
 حقا که همین موقع فریاد و فغان است
 این هبت مات همه بی تاب و توانست
 صد آتش افروخته در قلاب روانست
 (یعنی بیچسان است افسوس وطن رفت)
 در حای بزرگی همه بین جهل و ضلالت
 بر جای سعادت همه آثار جهالت

موجود ز هر سه شده اقسام کسالت
 مستولی و عارض شده انواع ملالت
 (معدوم جلالت افسوس وطن رفت)
 ای مات بچره سر ار طواب بر آرید
 اخق نخیالات وطن دل به کاربرد
 افسوس معلوم که مشغول چه کاربرد
 سد خاک بسر فت و شما غافل و طوارید
 (زیسان مگدا بد افسوس وطن رفت)
 در قعر تباهی همه اواره چه ساید
 در هر حای همه بکند مدانید ؟
 خوب است که خود را در غیر کشاید
 روج سعادت ز مدت برساید
 (خود را ره - افسوس وطن رفت)
 تابر همه مالکت و کور در شای بود
 بوسع اقام شما با محاسن بود
 بر در گمان چشم مال هر حا بود
 آو د مال شما در همه حا بود
 (اهناز به بود - افسوس وطن رفت)
 از چیست که ایسدر همه رار و سبورید
 و ر چند مدیرنه بیعتل و شعورید
 ار کیست که طاری ره قوت و زورید
 وزجاء عمل و ادب یکسره دورید
 (یکباره بشورید افسوس وطن رفت)

اشتهار

MOTOR CARS, TAXI CARS, TRUCKS
 Filmmont, plus Paris (Limo) فرانس



حاصل کننده انعام بزرگ شرط بین ویانه و پاریس

گیرنده خلعت از (اتوموبیل کلب) فرانسه

فهرست مجاناً فرستاده میشود

اعلان

تاریخ سرجان ملکم مصور که نقشه ایرن را هم داراست بطبع اعلی ، کاغذ و خط خوب ، در نمبر ۱۶ وکتوریا رود - کریس لین ، مازگام ، بمبئی - نزد آقا میرزا محمود صاحب تاجر کاشانی ، و در اداره جبل المتین کلکته بقیمت دوازده روپه بفروش میرسد ، اجرت پست بر ذمه خریدار است بهر يك از این دو مرکز میتوانند رجوع نمایند ، نقشه ایران نیز علیحده بقیمت دو روپه بفروش میرسد

ایضاً

بومیه جبل المتین با مسلك و مشرب پانزده ساله خود در طهران اساعت می شود ، هرکس در هندوستان طالب باشد در کلکته باداره جبل المتین - و در ایران و سایر ممالک خارجه به (طهران) خیابان لاله زار - اداره بومیه جبل المتین رجوع نماید - قیمت سالانه در ایران سوای طهران چهل و پنج قران و در ممالک خارجه عموماً سی فرانک است

اعلان

جلد دوم ابراهیم یک که افراد ملت را بهترین تازیانه عبرت در حق وطن است با کاغذی بسیار اعلی و طبعی خیلی خوب در سیصد و بیست و پنج صفحه بطبع جلد اول کتاب موصوف براییه فروش در دوره موجود است ، این کتاب گویا لارم بمعرفی نباشد ، همین قدر کافی است که بگویم این جلد از جلد اول نافع تر و دلچسب تر است ، هرکس جلد اول او را ملاحظه نموده از مذاق مؤلف و سیاق کلام و حالات عالیه آن بخوبی واقف است ، که در زبان فارسی کتابی باین سبک و سیاق نوشته نشده ، قیمت چهار روپه - اجرت پست بر ذمه خریدار است

(میکادو نامه)

میکادو نامه منظومه است در جنگ روس و ژاپون

که بوضع شاهنامه نگاشته شده ، و دارای ۵۸ عکس های حقیقی میدان جنگ میباشد با کمال امتیاز بطبع رسیده هرکس خواستگار باشد باداره جبل المتین کلکته رجوع نماید قیمت در هندوستان سه روپه ، ایران يك تومان ، اجرت پست بر ذمه خریدار است

کتاب موجوده در اداره برای فروش

روپه - آنه

بهار الانوار کامل ۴۰۰ :

سکندر نامه قلمی ترکی ۱۵۰ :

تاریخ سرجان ملکم مصور ۱۲ :

سفر نامه مظفر الدین شاه مرحوم ۴ :

سوانح عمری امیر عبدالرحمن خان مرحوم

(در دو جلد) ۴ ۸ :

منتخب تاریخ ساسانیان ۴ :

یتایع الموده جمہاب اسلامبول ۵ :

فرائد عوائد ملل ۸ ۶ :

آثار عجم ۶ :

احوال حضرت زینب سلام الله علیها ۸ ۸ :

میکادو نامه مصور ۳ :

مکالمه سیاح ایرانی ۲ :

داستان شگفت ۱ :

دیوان سرخوش ۸ ۱ :

دیوان حافظ جمہاب عکسی ۸ ۱ :

رباعیات مولانا روم ۳ :

دیوان عنایب (کاغذ و طبع ممتاز اعلی) ۴ ۴ :

قصائد قافیه ۴ :

منتخب قصائد قافیه ۴ ۷ :

ابراهیم بیگ جلد دوم ۴ :

حاجی بابا اسفہانی مصور

(در دو جلد) ۷ :

گلچینه باقری (غزلیات) ۸ :

اخوان الصفاء (اردو) ۸ :

منتخب مثنویات سودا (اردو) ۴ :

آرایش محفل (اردو) ۱۲ :

نثر بی نظیر (اردو) ۴ :

مجلدات جبل المتین سال ۸ و ۹ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳

و ۱۴ فی جلد پانزده روپه